

Organization

سازمان

Pars

پارس

Overthrow
Committee

شورای براندازی



گاهنامه

شهریور ماه ۳۷۴۷ جمشیدی

شماره ۸۵

اوت ۲۰۰۹

1€

سال یازدهم



حکومت اسلامی در ایران محکوم به نابودی است و این مهم با همیاری و رزم فرزندان ایرانزمین به زودی عملی خواهد شد و پس از یک دوره انتقالی به ایرانی آزاد، آباد و سرافراز دست خواهیم یافت.



مردم ایران بیدار شوید



در چنین شرایط حساس و اسفناک از تاریخ کشورمان ایران، لحظات سرنوشت ساز با شتابی بیرحمانه این سرزمین اهورایی به قولی نفرین شده آریایی را به سوی تباهی بیشتر سوق می دهد. با به قدرت رسیدن اهل عمامه و دستاربندان بی وطن که پیکر ایران را آماج نعلین خون آلود خود نموده اند و تحت حمایت استعمارگران سفاک جهانی از هیچ خیانت، دزدی و جنایتی علیه ملت ایران کوتاهی نکرده و نمی کنند، اصالت ایران و ایرانی را در جهان به ذلت و خواری و رسوایی کشیده اند. گویی اکثر مردم ایران مسخ شده و بدون واکنش مؤثری در مسیر برندازی به سر می برند و دستخوش ریا و تزویر حکومتی و بلندگوهای بیگانه از جنبش سبز یعنی استمرار حکومت اسلامی حمایت می کنند که این عمل، مستقیماً در تحکیم این حکومت خون و جنایت و دزدی مؤثر بوده است. گویی فرهنگ ده هزار ساله ایرانی، فر و شکوه میهن پرستی و عشق به فرهنگ آریایی همه از یاد رفته

فهرست

- ۱ مردم ایران بیدار شوید
- ۳ نیرنگ حيله گران جهانی
- ۶ جنبش مردمی در ایران و چشم انداز سیاستهای آمریکا
- ۱۱ انقلاب مشروطه و دسیسه های انگلیس
- ۱۵ صف بندی ها و شعارهای سیاسی در حرکت های خارج از کشور
- ۱۹ ورشکستگی صنایع دریایی و آلومینیوم
- ۲۱ سبقت چهار برابری واردات از صادرات محصولات غذایی
- ۲۲ خبرها

برون سراز این بارنگ آوریم

بیاتابو شیم و جنگ آوریم

مان نمی باشند، زمان آن رسیده است که همهٔ اقشار ملت ایران در یک صف منسجم با مبارزه و پیکار در کنار سربازان پارسی یعنی **سازمان پارسی و شورای براندازی** قرار گرفته و دوران حیات ننگین حکومت جهل و خرافات، دزدی و جنایتکار اسلامی را به پایان رسانند.

من آرمان نوری از همهٔ هم میهنان عزیز تقاضا دارم که شرایط خاص کنونی را دریافته و با آگاهی و درایت لازم سرنوشت خویش را به دست گرفته و همراه با **سربازان پارسی** با مبارزه و پیکار سرنوشت ساز ایران اهورایی را از **چنگال شیاطین مذهبی** و استعمار جهانی نجات بخشید.

فرزندان ایرانزمین پیکار و مبارزهٔ میهنی آغاز گشته است. فرد فرد ملت ایران که کوچکترین احساس مسئولیتی در قبال ایران، تاریخ ایران و آیندهٔ فرزندان خود احساس می کنند می بایست در این پیکار سرنوشت ساز برای **براندازی قهرآمیز حکومت جبار اسلامی** سهمیم گردند و سلاح بر دست گیرند و همانند یک سرباز پارسی بی باکانه به قلب لشکر دشمنان هجوم ببرند و آنان را نابود سازند.

سربازان پارسی، فرزندان غیور ایرانزمین، شما با سینه های ستبر و بازوان آهنین و گام های پولادین لشکر پارسی را به رهبری من، آرمان نوری به پیروزی خواهید رساند. شما **سربازان پارسی** در یورشتان بر دشمن می بایست چنان ضربه ای کاری به این ناپاکان و **پلیدان** وارد آورید که به هلاکت تمامی **مزدوران** و **سرسپردگان** آنان منجر شود و ایرانی **آزاد، آباد** و **سرافراز** را تنها با پیکار و مبارزه و جانبازی می توانیم فراچنگ آوریم و این مهم در روز قیام ملی روز براندازی احشام مذهبی حاکم در ایران عملی خواهد شد.

فرزندان ایرانزمین رسیدن به آرمان میهنی نیاز به عاشق بودن دارد. عشق به میهن اهورایی، **عشق** به تاریخ و فرهنگ، عشق به خاک و نام میهن، این دردانهٔ مهر و دوستی و آماج جلال و شکوه مردم ایران. **فرزندان ایرانزمین** می بایست آمادهٔ ستیز و جانبازی و زدودن لکهٔ ننگ در تاریخ میهنمان یعنی زدودن حکومت جبار اسلامی باشیم. مردم ایران بیدار شوید، قبل از آنکه طرح های پلید استعماری با هماهنگی **عناصر مزدور** خود بتوانند ایران را به خاک و خون کشند و میهن اهورایی ما را تجزیه نمایند، بپاخیزید و به این سوداگران **استعمار سرخ و سیاه** ثابت نمایید که ایران اهورایی صاحبانی جانباز، فداکار و فرهیخته دارد.

پاینده ایران

دکتر آرمان نوری

رهبر جنبش سپید براندازی

است و مردم ایرانزمین به هر نوع سیه بختی، فلاکت، بندگی و سیه روزی تن داده اند. این مردم گویی از یاد برده اند که **ملتی فرهیخته** می باشند و می بایست برای آزادی، آبادی و سرافرازی خود و میهن خود با دشمنان ایرانزمین یعنی کلیت حکومت جبار اسلامی پیکار و مبارزه کنند و آنان را نابود سازند.

آری فرزندان ایرانزمین بیدار شوید. عده ای عناصر مزدور و ضد ایرانی که گویی به پارسی سخن می گویند، در کمال پستی، ذالت، دنائت و بی شرمی تمام هم خود را به کار گرفته و با سخن پراکنی مزورانهٔ خود در جراید، رادیوها و تلویزیون های استعماری و ضد ایرانی (رادیو آمریکا، بی بی سی، رادیو اسرائیل، رادیو اف ای، رادیو فردا، سی ان ان، رادیو فرانسه) و تقریباً همهٔ **تلویزیون های پارسی** زبان **لوس آنجلس** و جراید فارسی زبان در آنجا به حمایت اربابان استعمارگیشان در **استمرار حکومت جنایتکار اسلامی** پرداخته اند و از جنبش سبز اسلامی در تحکیم و استمرار حکومت دزد و جانی ملایان این شیاطین مذهبی حمایت می کنند. این عناصر پلید به نام کارشناسان سیاسی - اقتصادی، برنامه ساز، روشنفکر (تاریک اندیش)، گروه ها و سازمان های به اصطلاح اپوزیسیون (ستون پنجم) به خیانت خود علیه منافع ایران و مردم ایران ادامه می دهند.

این **سوداگران استعمار** که چهرهٔ کریه اکثر آنها توسط **سازمان پارسی و شورای براندازی** که یگانه ارگان میهنی می باشد، روشنگری شده است، اکثراً از قلم به مزدان استعمارگران سیاه و سرخ بوده و به نام اصلاح طلب، سلطنت طلب (پهلوی چی)، بخشی از **جبهه ملی** که از **رضا پهلوی** حمایت می کند، **مجاهدین خلق** (برگشته و برگشته)، **کانون نویسندگان ایران در تبعید**، **انجمن قلم**، **ملی مذهبی** ها، **نهضت آزادی** و همچنین افراد تک سوار زین به پشتی چون **داریوش شایگان**، **سید حسین نصر**، **علیرضا نوری زاده**، **محسن سازگارا**، **مجید تهرانی نیا**، **احسان الله نراقی**، **عبدالکریم لاهیجی**، **شیرین عبادی**، **اکبر گنجی**، **طبرزدی** و ... که برای انحراف افکار مردم از هیچ دسیسه و تزویری رویگردان نمی باشند، همهٔ این عناصر ضد ایران و ایرانی در نابودی مادی و معنوی ایرانزمین سهمیم می باشند.

فرزندان ایرانزمین در این لحظات وانفسای رقت بار، سکوت و خاموشی گناهی است نابخشودنی و غیر قابل جبران. هم اکنون که چهرهٔ کریه گروه های به اصطلاح آزادیخواه و اپوزیسیون (ستون پنجم) آشکار گشته است و نقاب تزویر و دورویی از **چهرهٔ پلید** و دون صفت آنها کنار رفته و دیگر هذیان های تب آلود و شعارهای میان تهی آنان در رابطه با مبارزهٔ راستین ملت ایران برای **آزادی، آبادی و سرافرازی**، گاهی به **نعل** و گاهی به **میخ زدن** است و عملکرد مفتضحانهٔ آنها رنگ باخته است و تحت هیچ شرایطی قادر به اغفال مردم بخت برگشته

نیرنگ حيله گران جهانی

ژنرال عقيلی پور



پس از اعلام اینکه **مجاهدين خلق** آمادگی دارند طی شرایطی به ایران برگردند، چون تاریخ و زندگی دفتري است از خاطره ها ... نمونه های دیگری را در تاریخ به یاد می آورد که **گروه های تعلیم یافته** در کمپ های خارج را به داخل کشورهایی که می خواهند

سیستم حکومتی آن را **دگرگون** کنند نفوذ داده که با عوامل داخلی شورش برپا نموده و زمینه ساز دگرگونی شوند.

در سال ۱۳۵۷ که با دادن **فضای باز سیاسی** جنبش مردم یکباره تنوره کشیده و شعله ور شد و شاید خواست عمومی بر این بود که **قانون پامال شده** اساسی مورد احترام و اجرا قرار گیرد، ولی سرازیر شدن دگراندیشان رانده شده از کشور از بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به میهن و گویا غیر ایرانی های تعلیم یافته از کشورهای دیگر اوضاع را دگرگون کرده و **صدای انقلاب** شنیده شده و کار از کار گذشت و گردانندگان بی اعتقاد به رژیم هر کدام به گوشه ای فرا رفتند.

این بار اگر این **سناریو** پیاده و موفق شوند (این تو بمیری از آن تو بمیری ها نیست) و در تاریخ جهان روزگار **دردناک** و سیاه جنگ های خونین داخلی **اسپانیا ۱۹۳۹-۱۹۳۶** تکرار و شاید **وحشتناک تر** از آن طرح دشمنان برای تجزیه ایران عملی گردد و چند میلیون مردم ستمدیده بی پناه لت و پاره شده و خاک مرگ و بدبختی و **سیاه روزی** در سراسر کشور پاشیده شود. **مجاهدين خلق** آلتی از ابتدا در دست سرویس های امنیتی **چپ و راست، سرخ و سیاه** بوده و هر کدام در زمانی معین آنان را بکار گرفته و بهره برداری نموده اند.

پشتیبانی های **مالی، سیاسی، رسانه ای** به حد کافی در اختیارشان گذاشتند، بس مقامات دولتی، سیاسی، دانشگاهی، سناتورها، نمایندگان مجلس و سازمان های گوناگون جهان به دستور و طرح های پیش بینی شده سیاسی سرویس های امنیتی از **مجاهدين پشتیبانی** نمودند. این عروسک های دست نشانده آنچه توانستند در رژیم گذشته برای **براندازی سلطنت** و همکاری

با **انقلابيون مذهبی** و سپس دشمنی با همان رژیم مذهبی و بدنبال آن همکاری تنگاتنگ با نیروهای مسلح تازی های دشمن ایران در حمله به مدافعین سرزمین ایران و **کشتار جوانان ایرانی** در مسیر خواست بین المللی فداکاری برای **آرمان امپریالیسم** جهانی نمودند.

پادشاه ایران فریاد می زد **اتحاد سرخ و سیاه** و **مارکسیست های اسلامی** بر علیه ملت و کشور ایران اتحاد متضاد و نامقدسی تشکیل دادند که باورش نمی کردند پس از اینکه جهان فانی را وداع کرد ایرانیان و کوچیدگان پراکنده در جهان ناظر بودند که چطور دنیای به اصطلاح آزاد و امپریالیست های جهانی مارکسیست های اسلامی را در آغوش گرفته و پشتیبانی می نمایند.

ساده اندیشان بی خبر از بازی های سیاسی جهانی در برابر **تبلیغات مجاهدین**، دیدن رژه ها، سازمان های نظامی، تجهیزات جنگی، اظهار وجود آنان در صحنه های سیاسی جهان، پادگان نظامی نزدیک مرز ایران، **تحت تأثیر** قرار می گرفتند و به خیال خود ارجی بالاتر از همه **اپوزیسیون ایرانیان** برای آنان تصور می نمودند.

نمی دانستند که هیچ سازمانی در گیتی بدون پشتیبانی های بی چون و چرای گردانندگان جهانی نمی تواند چنین عرض اندامی بنماید، اگر پشتیبانی و امکانات همه جانبه در اختیار هر گروه دیگر اپوزیسیون قرار می گرفت کارسازتر بود زیرا مردم تنفر خاصی از مارکسیست های اسلامی دارند.

هم اکنون که همه **رسانه های چپ و راست** رنگ سبز را سمبل جنبش مردم قرار داده و کم دانان مچ دست خود **روبان سبز اسلام ناب محمدی** را می بندند و خودنمایی می کنند و بی از ۵۰ شهر یکباره همکاری و همبستگی بر علیه حکومت ایران تظاهراتی با رنگ سبز برپا نموده و در پنهان برای برقرار ماندن رژیم مذهبی زیر پوشش **حیله گرانه اصلاح طلبان** شعار می دهند درک نمی کنند که با برنامه ریزی های جهانی این کارها انجام می گیرد.

روزگاری بود که برای **تحریم و فروپاشی شوروی** سابق کمربند سبز اسلامی را بدور آن ایجاد کردند، حالا هم برای بدبختی ملت ایران از کنج پستوی وزارت خارجه **پیر فرتوت استعمار انگلستان** رنگ سبز ناب محمدی را بیرون کشیده و به دست و پای ملت ستمدیده ایران می بندند (باش تا صبح دولتت بدمد).

و **کشتارها و خفقان عمومی** به مدت هشت سال نخست وزیری می باشد.

در ارزیابی موج تظاهرات توده های مردم باید تأمل کرده و از **قضاوت سطحی** دوری جست در سال ۱۳۵۷ میلیون ها نفر در فرودگاه و خیابان های تهران به استقبال به اصطلاح ناجی خود شتافتند پس از ده سال همان توده های میلیونی جنازه او را تا گورستان بدرقه کرده و بر سر خود کوبیدند این در حالی بود که به مدت ده سال چه بدبختی ها، سیه روزی ها، کشتارها، قتل عام ها، جنگ و خونریزی برای مردم ایران فراهم کرده بود. به اعتقاد و ایمان **توده های میلیونی کم دانا** نباید دل بست ما نباید باز کاری کنیم تا روزی بیدار شویم دریابیم که خود را فریب داده یا بیگانگان فریبمان دادند.

درست است که **سطح آگاهی های سیاسی** و اجتماعی مردم در این سی سال گذشته به علت استفاده از تکنولوژی پیشرفته به نحو بی سابقه ای گسترش یافته ولی **انبوه توده های بی خبر عمومی** همه ملت های جهان با فیشی می آیند و با کیشی می روند.

تا مایل به شنیدن حقایق نباشیم نمی توانیم وضع موجود کشورمان را دگرگون سازیم. یادمان هست همه فریاد می زدند «**یا مرگ یا مصدق**» **چهل و هشت ساعت بعد جاویدشاه** جایگزین آن شعار قرار گرفت.

در جنگ بین الملل دوم چند صد هزار نفر مردم فرانسه به پشتیبانی مارشال پتن تظاهرات می کردند، وقتی ارتش آمریکا فرانسه را از دست آلمان ها نجات داد و به **ژنرال دوگل** گفتند که بیاید و او قبل از ارتش آمریکا برای اینکه سمبل مقاومت شود وارد پاریس گردد همان مردم آغوش بسوی او باز کرده و **مارشال پتن** قهرمان ملی جنگ وردن را به محاکمه کشیده و همکاران او را شب و روز با رأی دادگاه های شرم آور ساختگی به **جوخه اعدام و گیوتین** سپردند.

حدود دو سال قبل سازمان پارس در پاریس بنا بر اطلاعاتی که بدست آورده بود افشاگری نمود و اعلام کرد «**مثلث خفت بار**» تشکیل شده که متشکل از مجاهدین خلق، هواداران رفسنجانی به نام اصلاح طلبان، تعدادی از **سلطنت طلبان** طرفدار ولیعهد سابق می باشد و اضافه کرد در کشورهایی از اروپا نمایندگان آنان جلساتی داشته اند. در آن موقع سازمان پارس مورد **اعتراض و تکذیب** همه جانبه قرار گرفت. در مورد ولیعهد سابق باید بگوییم که در زمان خاتمی از وی حمایت کرد و با عوامل حکومت اسلامی به خصوص **نمایندگان رفسنجانی** همواره

رنگ سبز اسلامی رنگ سی سال سرکوب وحشیانه ملت ایران است، رنگ ۱۴۰۰ سال جهالت و فریبکارانه کشورهای اسلامی می باشد به همین جهت پیشنهاد ما این است که رنگ **سپید** را برگزینیم زیرا رنگ سپید از ترکیب همه رنگ ها ایجاد شده و همه رنگ ها را در بر دارد.

نباید در مسائل سیاسی و اجتماعی **تابع احساسات** بود و **فریب خورد** و با دیدن موج توده های مردم در برنامه های تنظیمی داخل و خارج خیال پردازی نمود که کار تمام است ما نباید بر چشمان خود چشم بند بگذاریم، باید دیدگان جستجوگر خود را به ماوراء این دسیسه بازی ها معطوف داریم.

سرویس های امنیتی استعمارگران دور از اخلاق و تنها به منظور منافع همیشگی خود پا روی موازین بین المللی که خود متولی آنند می گذارند و دوست و دشمن برای آنان فرقی ندارد مگر در رژیم گذشته ندیدیم همین **مجاهدین خلق** که مجدداً **نور چشم غرب** شده اند چند نفر افسر و غیرنظامی آمریکا را در ایران کشتند؟ و جزء **لیست تروریست ها** قرار گرفتند؟

در شماره ۸۱ روزنامه مجاهد چاپ تهران چهارشنبه ۴ خردادماه ۱۳۵۹ می خوانیم :

« در طلوع دهمین سالگرد ۱۵ خرداد یعنی ۱۳ خرداد ۵۲ سازمان مجاهدین خلق ایران اقدام به اعدام یکی از مهره های جنایتکار امپریالیسم آمریکا در ایران کرد. **اعدام انقلابی** سرهنگ **هاوکینز** جنایتکاری که سالیان دراز در ویتنام به کشتار خلق قهرمان ویتنام پرداخته بود. بعد از آن هم به عنوان معاون اداره مستشاری آمریکا در ایران، به **توطئه چینی** علیه خلق ما و خلق های منطقه مشغول بود. ما با اعدام انقلابی **هاوکینز** در ۱۳ خرداد ۵۲ اعلام کردیم که از این پس خون هایی را که امپریالیست ها از خلق ما ریخته اند با خون مستشاران **آمریکایی - انگلیسی و اسرائیلی** پاسخ خواهیم داد و بر این سوگند خویش هنوز وفاداریم و تا ایران را گورستان امپریالیسم نکنیم از پای نخواهیم نشست ... »

کشورهایی که نام برده اند فراموش نکرده اند ولی امروز به آنان نیاز دارند ...

نباید تعجب کنیم **جنبش باشکوه** و عظمت امروز ایران را چرا **رنگ سبز اسلامی** به آن زده اند و به دست گروهی از دشمنان قسم خورده خود به بیراهه می کشانند. به هنگامی که سر حلقه ستمکاران زنده و بر تخت خلافت تکیه زده بودند این کسی را که رسانه های دنیا پیوسته به عنوان به اصطلاح اصلاح طلبان به خورد جهانیان می دهند خود حلقه ای از زنجیر **دژخیمان و ستمکاران** بوده و هست و شریک جرم همه جنایت ها

باید دیواری را که برابر چشمان ما ایجاد کرده اند فرو ریزیم، نباید به خلوتگاه بوداییان و صوفیان رفته و سر به آسمان بلند کنیم باید بوجود خود اجازه بودن بدهیم زیرا آینده تابناک و هیجان انگیز در برابر ماست.

عوامل ستون پنجم رژیم مذهبی با همکاری سرویس های امنیتی خارجی شعار می دهند. حقوق بشر، آزادی، رهایی زندانیان سیاسی و برای فریبکاری مرگ بر دیکتاتور را هم سر می دهند در حالیکه خواست میهن ستایان ایرانی براندازی رژیم ولایت فقیه می باشد زیرا

چون که صد آید نود هم نزد ماست

لنین در اوایل قرن گذشته باورمند بود که برای پیروزی در سیاست و بدست گرفتن قدرت وجود « کم آگاهان مفید » لازم و ضروری است که برای رسیدن به آرمان خود بدون اینکه بدانند آلت دست شده تظاهرات توده ای براه اندازند.

نباید آب به آسیاب آرمان های پنهانی سرویس های خارجی ریخت اگر چنین کنند دیری نخواهد پایید « شرمساری از این حاصل ایام برند »

این صحنه سازی های در کشور و خارج در پشت پرده برای رهایی از ظلمت رژیم واپسگرا نیست، مبارزه برای بدست گرفتن قدرت میان دو گروه از خودی ها و وفاداران به قانون اساسی ولایت فقیه است، اینهایی که به اصطلاح اصلاح طلبی را عنوان می کنند کسانی از لایه های نامأنوس از خود رژیم هستند. هر دو گروه مخرج مشترک واحدی دارند.

انتخابات انجام شده از آن رژیم واپسگرا مذهبی و ادامه او بودند بر علیه رژیم با گذشت زمان است که مردم با بافتن حوادث آینده ایران زمین را می سازند آنچه را که نخست وزیر سابق رژیم انجام می دهد و مردم هیجان زده را به خیابان ها کشانده تا در برابر گلوله خودکامگان وحشی رژیم کشته و زخمی شوند تنها خواست دشمن و برنامه های تنظیمی آنان است که پیراهن عثمان کنند و مردم را از هدف اصلی که براندازی رژیم مذهبی ولایت فقیه است به بیراهه بکشند این نخست وزیر سابق اگر دمش به خارج بند نبود این قدر « لوله هنگش آب بر نمی داشت ».

این حیلہ گران حاکم چراغ کم سوی باقیمانده حیات خود را بزودی خاموش خواهند دید، در آینده ای نامنتظر شکیبایی مردم بصورت گذاره های آتش فشان سرازیر شده و از بن بر می اندازندشان زیرا به غیر از پناهجویان کم آگاه به رنگ سبز اسلام ناب محمدی جوانان و مردان و زنان دیگری در کشور هستند که با بی پروایی ستایش آمیزی از ژرفای جامعه جوشیده

در تماس بوده است و در آخرین پیام وی در ۱۴ مرداد ۱۳۸۸ چنین می گوید: « ... جنبش سبز برآیندی از بهترین های تاریخ، اندیشه و هنر ماست، برآیندی از یک آزادی ژرف و مهر و راستی که در جان هر ایران نهفته است و این آزادی و مهر همان چراغ و آتش نامیرایی است که ایرانی را همواره در گزینش داد از بیداد توانا و دانا ساخته است ... » این کلام، تیر خلاصی بر خودش و هوادارانش بود و با این کلام مثلث خفت بار وی با رفسنجانی ثابت می شود، در کنار او همچنین حمایت خود را از مجاهدین خلق در مورد حمله پلیس عراقی به پایگاه اشرف اعلام نمود و ضلع دیگر مثلث نیز ثابت شد. در همین میان مریم رجوی با بیان اینکه اعضای مجاهدین خلق که در پایگاه اشرف به سر می برند می توانند به ایران بازگردند و از دولت ایران خواست که آنان را مورد پیگیری قانونی قرار ندهد، این نیز تیر خلاصی بود که مریم رجوی بر فرق خود و سازمان یا بهتر بگوییم فرقه مجاهدین خلق وارد آورد و اینچنین پیوستگی خود را با حکومت جهل و فساد ملایان اعلام نمود و چنانکه دیدیم در تلویزیون مجاهد بارها از موسوی و جنبش سبز موسوی، رفسنجانی حمایت شد.

در حال حاضر نیز عده ای التماس و زاری می کنند و برای نجات کشور دست به دامان آمریکا، انگلیس و کشورهای خارجی شده اند، همین خارجی ها بودند که کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را باعث شدند و به اصطلاح انقلاب ۱۳۵۷ را در حمایت از مذهبیبون علیه ملت ایران باعث شدند. بدا به حال ناآگاهانی که باز آروزمند گشودن راه بیگانگان در کشور می باشند و دخالت آنان را برای نجات کشور آرزو می کنند، اینان نیز هرگز در برابر تاریخ بخشوده نخواهند شد.

براندازی این رژیم امری داخلی، گام به گام است که جنبش مردمی اگر بگذارد، خود راهش را می گشاید و آن نیاز به رشد فکری و دانش اجتماعی و شناخت ترفندهای دشمنان ایران دارد که پس از آن به شکوفایی ملی خواهیم رسید.

دنیا نباید با دخالت نابخردانه خود مانع از این پیشرفت طبیعی ملت ایران شود. ما ملتی کهن و بافرهنگ هستیم و بارها سربلند کرده این که خود تنها بودیم حالا هم خود می دانیم چه کنیم ندانسته نباید برای بیگانگان که هیچگاه سربلندی و استقلال ما را نمی خواهند راهگشای مسیر استعماری آنان شویم. آزادی و برابری اجتماعی را بدست می آوریم ولی نه با سرعت خیالی خیال پردازان که آگاهی های جامعه شناسی سیاسی و تاریخی را کم دارند.

سلامتی مخالفان حکومت ایران باشد، چیزی مگر باز نگه داشتن درب مذاکره با جمهوری اسلامی نیست.

اما به اذعان اکثریت قریب به اتفاق کارشناسان سیاست خارجی آمریکا و بخصوص **مشاوران کاخ سفید**، وقایع اخیر ایران بطور بنیادین و برگشت ناپذیر **شرایط نوینی** را خلق نموده که هم آینده حکومت ایران و هم سیاست ایالات متحده را کاملاً دگرگون کرده است. از اینرو، علیرغم تلاش کاخ سفید، شرایط مورد نیاز برای مذاکره و به تبع آن معامله با ایران در چشم انداز قابل پیش بینی وجود ندارد. در گزارش حاضر، به بررسی **قیام مردمی** در ایران و تأثیرات آن بر سیاست آمریکا بخصوص در مورد برنامه هسته ای جمهوری اسلامی می پردازیم.

سیاست آمریکا در رابطه با ایران

همانطور که مسئولان آمریکایی بارها تکرار کرده اند، مهمترین نگرانی آمریکا، **برنامه اتمی ایران** است و به همین دلیل نیز جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای، به مرکز ثقل سیاست های ایالات متحده تبدیل گشته است. برای مقابله با برنامه اتمی ایران، **سه راه حل** یا خط برخورد وجود دارد:

- مذاکره با ایران همراه با ادامه **سیاست چماق و هویج** تا زمانیکه جمهوری اسلامی حاضر به توقف برنامه هسته ای خویش گردد. این گزینه اصلی آمریکا و سیاست حاکم در برخورد با جمهوری اسلامی است.

- مقابله تمام عیار با جمهوری اسلامی که شامل تمام گزینه ها از افزایش تحریم ها تا حمله نظامی و تغییر رژیم می گردد.
- **قبول شکست** سیاست فشار بر ایران و پذیرفتن هژمونی ملایان در منطقه و به تبع آن قبول یک ایران مجهز به سلاح هسته ای. طرفداران این خط مشی معتقدند که آمریکا همانطور که با چین و یا شوروی به همزیستی رسید، بایستی با جمهوری اسلامی نیز به یک **تعادل جدید** دست یابد و جغرافیای جدید منطقه را برسمیت بشناسد. **برژنیکسکی** و لابی های نفتی از جمله طرفداران این راه حل می باشند.

سیاست پیش بینی شده اوباما این بود که تا انتخابات ریاست جمهوری، تحریم ها در وضعیت کنونی باقی بماند و افزایش نیابد. در عوض از مذاکره با باند احمدی نژاد نیز امتناع نماید. مسئولین آمریکایی معتقد بودند که فشارهای اقتصادی و اجتماعی به شکاف بالای حاکمیت دامن زده و **باعث تقویت جناح رقیب** احمدی نژاد خواهد شد.

و همچون موجی خروشان هم سوگند شده و بازو بر بازو افکنده که تا **سرنوینی رژیم ولایت فقیه** دست از مبارزه برندارند باید شکوه و عظمت این جنبش مردم را ستایش نمود و ناآگاهانه به هر **خس و خاشاکی** متوسل نشد گل واژه ندای ستمدیدگان ایرانزمین در جهان **براندازی** رژیم واپسگرای ولایت فقیه است و بس.

پاریس - اوت ۲۰۰۹

جنبش مردمی در ایران و چشم انداز سیاست های آمریکا

حسن داعی



راجر کوهن، خبرنگار نیویورک تایمز که از طرفداران جدی سیاست ممانعت با ایران است در جریان **قیام مردمی** اخیر در تهران بود. وی در یکی از گزارشات متعدد خود از تهران نوشت که مردم در خیابانها از او می پرسیدند که اوباما کجاست و

چرا از **جنبش ایرانیان** بر علیه حکومت حمایت نمی کند. همین احساس را میتوان در میان بسیاری از ایرانیان خارج از کشور نیز مشاهده نمود که **خودداری اوباما** از موضعگیری صریح در مقابل ملایان را غیر قابل قبول و نادرست می دانند.

مسئولان دولت آمریکا، دلیل ظاهری این موضعگیری محتاطانه را خودداری از دادن **بهانه** به حاکمان تهران برای آمریکایی نشان دادن مخالفان و سرکوب آنان بیان کرده اند. این استدلال، سالهای متمادی توسط کسانی تبلیغ گردیده است که بطور مستمر خواهان کنار آمدن با حکومت ایران بوده اند. این دسته از افراد و در رأس آن لابی خود رژیم، همواره به تبلیغ این موضوع پرداخته اند که بایستی **سرکوب مردم ایران** را امری داخلی تلقی کرده و ایالات متحده از وارد شدن به آن پرهیز نماید. از طرف دیگر، موضعگیری های روزانه مسئولان آمریکایی در مورد تمایل دولت اوباما برای ادامه سیاست گفتگو با ملایان، دلیل دیگری بر این مدعاست که دغدغه اصلی اوباما بیش از آنکه

• کوتاه آمدن رژیم در مقابل آمریکا و رشد شکاف های درونی، به بازر شدن فضای سیاسی منجر می شود

• نتیجه شکست در مقابل آمریکا، شکستن شاخ حکومت

در منطقه و از دست دادن متحدان منطقه ای اش می باشد

حال باید دید که تحولات کنونی داخل ایران، یعنی شرایط انفجاری مملکت و آمادگی مردم برای قیام، دست حکومت را برای سرکشیدن جام زهر و کوتاه آمدن در مقابل آمریکا بازر می کند یا اینکه خطرات انفجاری چنین تصمیم گیری را بالا می برد؟ مثلا، اگر بیماری به یک عمل جراحی خطرناک احتیاج داشته باشد و درست روز قبل از عمل، دچار سرماخوردگی شدید شده و قوای بدنی اش ضعیف گردد، آیا در این حالت آمادگی اش برای عمل جراحی بیشتر می شود یا کمتر؟ طبیعی است که هر پزشک عاقلی، عمل جراحی را به بازیابی سلامتی بیمار موکول میکند.

اگر به نمونه سرکشیدن جام زهر جنگ با عراق نگاه کنیم، می توان رفتار حکومت را بازشناخت. در آندوره، رژیم تنها زمانیکه خطر سقوط را در مقابل خود دید حاضر به سرکشیدن جام زهر و قبول آتش بس با عراق شد. بلافاصله، اختلافات داخل رژیم بطور بی سابقه ای افزایش یافت و فضای سیاسی کشور نیز آماده انفجار بود. خمینی برای پر کردن این شکاف ها دو کار انجام داد. اولاً فرمان قتل عام زندانیان سیاسی را صادر کرد که هدفش بستن فضای سیاسی بود و در مرحله بعد و در صحنه خارجی نیز با صدور فتوای قتل سلمان رشدی و با ایجاد یک بحران خارجی دیگر، سعی نمود تا شکاف های درونی سیستم را ببندد و آثار تخریبی جام زهر را کاهش دهد.

طبیعی است که سرکشیدن جام زهر هسته ای و تعامل با آمریکا، درست مثل آن زمان، شوک های بسیار جدی به کل نظام وارد می کند. آیا خامنه ای با توجه به شرایط کنونی مملکت قادر به بستن شکاف های ناشی از سرکشیدن جام زهر هسته ای در درون سیستم حکومتی خواهد بود؟ آنهم سیستمی که هم اکنون به مرز فروپاشی درونی رسیده است. در بعد سیاسی و برخورد با مردم نیز باید پرسید که آیا وی قدرت کنترل وضعیت انفجاری مملکت در صورت شکست در برابر آمریکا را خواهد داشت؟ آنهم مردمی که هم اکنون نیز قابل کنترل نمی باشند.

سوزان مالونی یکی از صاحب نظران با نفوذ آمریکاست که ۴ سال پیش مدیریت تهیه گزارش معروف شورای روابط خارجی آمریکا در مورد نحوه برخورد با ایران را بعهده داشت. این گزارش که منجمله برژینسکی و رابرت گیتس نیز در تهیه آن شرکت

طبق پیش بینی کاخ سفید، قرار بر این بود که با برنده انتخابات رژیم ایران، حتی اگر احمدی نژاد باشد، وارد یک دوره مذاکرات جدی همراه با افزایش بسته های تشویقی گردد. این دوره از مذاکرات از نظر زمانی محدود و کمتر از یکسال در نظر گرفته شده بود. در صورتیکه ایران به ژست های حسن نیت غرب و آمریکا پاسخ مثبت نداده و کماکان به وقت کشی می پرداخت، آمریکا و متحدانش افزایش بینادین تحریم ها را مد نظر داشتند.

تأثیر تحولات ایران بر سیاست آمریکا

حال باید دید که تحولات اخیر ایران کدامیک از سه خط برخورد آمریکا با جمهوری اسلامی را تقویت می کند. قبل از آنکه به نتیجه گیری در این مورد برسیم، باید به پارامترهایی که در این زمینه تغییر کرده اند نگاه کنیم و پس از شناخت این پارامترهاست که می توان خط سیاسی محتمل آمریکا در برخورد با جمهوری اسلامی را بازشناخت.

• حکومت ایران ضعیف تر شده و قدرت تصمیم گیری اش برای معامله با آمریکا و توقف برنامه هسته ای کاهش می یابد. (جام زهر هسته ای)

برخی از هموطنان، بخصوص آندسته از کسانیکه همواره نگران معامله آمریکا با حکومت ملایان بوده اند، معتقدند که در شرایط جدیدی که پس از قیام اخیر بوجود آمده و حکومت شکننده تر شده است، رژیم برای جلوگیری از سقوط، آمادگی بیشتری برای معامله با آمریکا پیدا کرده و بنابراین، امکان کوتاه آمدن بر سر برنامه هسته ای افزایش یافته است. این نظریه با واقعیات کنونی کشور مطابقت نمی کند و احتمال وقوع آن بسیار ضعیف است. در صورت وقوع چنین سناریویی، همانطور که توضیح داده خواهد شد، رژیم بسیار ضعیف تر و آسیب پذیر تر شده و جنبش مردمی ابعاد غیر قابل کنترلی بخود میگیرد.

در عوض، بسیاری از کارشناسان داخلی و منجمله مسئولان حکومتی، توقف برنامه هسته ای و کنار آمدن با آمریکا را با سرکشیدن جام زهر مقایسه می کنند. یعنی همان نمونه ایکه روح الله خمینی با پذیرش آتش بس با عراق انجام داد. طبیعی است که جام زهر معنای خود را دارد و آثار آن بر کل سیستم سیاسی رژیم اثر می کند. اگر به مجموعه تحلیل های کارشناسان داخلی نگاه کنیم سر کشیدن جام زهر هسته ای نتایج زیر را بهمراه دارد :

• دست کشیدن از برنامه هسته ای مساوی با شکست در برابر آمریکاست

• شکاف درونی رژیم بیشتر می شود

گشود. معنای هر دو حالت نیز چیزی مگر **شکست خفت بار** در مقابل آمریکا نیست. نمی توان هر روز عربه ضد آمریکائی کشید و هزاران نفر را تحت نام مزدور آمریکا به شکنجه گاه فرستاد و در عین حال با آمریکا بر سر میز مذاکره نشست و به معامله مشغول شد.

• سیاست خارجی رژیم رادیکال تر شده و برنامه هسته ای شتاب می گیرد

بسیاری از کارشناسان آمریکائی طرفدار نزدیکی به ایران، چهار سال قبل، یعنی اولین دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد، پیش بینی کردند که رژیم ایران با حذف **اصلاح طلبان حکومتی**، یکپارچه و منسجم می شود و در سیاست خارجی پراگماتیست تر شده و به سوی **کاهش تنش** می رود. نگاهی به کارنامه احمدی نژاد در چهار سال گذشته نشان می دهد که این نظریه بیشتر ناشی از یک رویای شیرین برای طرفداران نزدیکی به رژیم ایران بود.

اکنون، بسیاری از همان کارشناسان **اعتراف** می کنند که دور دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد به معنای رادیکال تر شدن سیاست خارجی رژیم، شتاب در برنامه هسته ای و تقابل با جامعه بین المللی بخصوص آمریکاست. در چنین شرایطی، طبیعی است که مذاکره بین ایران و آمریکا و **تعامل بین دو کشور** بسیار دور از انتظار خواهد بود.

سایت دیپلماسی ایرانی که توسط **صادق خرازی** و یک گروه از دیپلمات های جمهوری اسلامی اداره می شود، پیش بینی کرده است که با توجه به ضعیف تر شدن نظام، احتمالاً دولت احمدی نژاد برای **جبران ضعف خود** به تشدید بحران در منطقه روی می آورد:^۲

«**اتفاقات اخیر و انتقادهای غرب از نحوه برپایی انتخابات در ایران این ابزار را در اختیار غرب می گذارد تا چماقی** حی و حاضر برای تشدید فشارها علیه ایران در دست داشته باشند و در پیشبرد خواسته هایشان صراحت و تحکم بیشتری به خرج دهند. باید دید آیا دولت دهم برای پیشبرد دیپلماسی و تن ندادن به باخت در مناسبات خارجی، بازهم رو به منابع زیرزمینی اش می کند (حراج نفت) و یا ترجیح می دهد بازی را در مناطقی چون **لبنان و فلسطین** و عراق ادامه دهد؟ (افزایش تنش در منطقه)»

قابل ذکر است که تجربه سی ساله حکومت دلیلی بر این مدعاست که اصولاً تشدید بحران در روابط خارجی و صدور انقلاب و برنامه هسته ای، یکی از مرسوم ترین شیوه های حکومت برای پرکردن شکاف های داخلی و ادامه سرکوب است.

داشتند، طرفدار این نظریه بود که حکومت، با **حذف اصلاح طلبان** و قدرت گیری جناح راست یکپارچه تر می شود، مدل چینی را برمی گزیند و از **تنش** دورتر می گردد. از همین رو، راه برای تعامل بین ایران و آمریکا بازتر می شود. اما اکنون، همین سوزان مالونی در مورد تحولات اخیر ایران و تأثیر آن می نویسد:^۱

• **وقایع هفته گذشته در ایران را می توان بدترین سناریوی ممکن برای دولت اوباما دانست. اگر اصلاح طلبان در انتخابات پیروز می شدند راه را برای مذاکرات جدی بین دو کشور آماده می کرد. حتی یک پیروزی قابل قبول برای احمدی نژاد نیز اگرچه زیاد دلخواه نبود اما می توانست قدرت محافظه کاران را تقویت کرده و به آنان اعتماد بنفس می داد تا از موضع قدرت بتوانند به یک انتخاب تاریخی دست زده و رابطه خود با آمریکا را مورد بازبینی قرار دهند.**

• اما بجای آن، **واشنگتن** اکنون با یک قدرت تکه شده روبروست. این وضعیت، مانع از این است که ایران وارد گفتگوی جدی با آمریکا گردد و ایران را از تصمیم گیری جدی در مورد برنامه هسته ای اش ناتوان می سازد.

در پایان باید این نکته را نیز اضافه کرد که تاکنون، رژیم **بهای گزافی** برای دستیابی به سلاح هسته ای پرداخته است اما در حال حاضر، دست کشیدن از این برنامه، خود بهای سنگین دیگری دارد که برای رژیم بارها کمرشکن تر از تحریم های موجود و ویرانی اقتصاد کشور است. بسیاری از هموطنان، بهای سنگین **توقف برنامه هسته ای** را از قلم می اندازند.

• نمی توان به بهانه مبارزه با **انقلاب مخملی** به رهبری آمریکا به کشتار و سرکوب مردم دست زد و در همان زمان نیز با آمریکا بر سر میز مذاکره و معامله نشست

تجربه **ایران گیت** و معاملات پنهانی با آمریکا نشان داد که اگرچه رژیم به زد و بند پشت پرده با آمریکا و اسرائیل می پرداخت اما از انجام علنی آن ناتوان بود. امکان پذیر نبود که تحت عنوان مبارزه با استکبار جهانی، دهها هزار تن از جوانان وطن را به میدان های **جنگ بیهوده با عراق** فرستاد و در همان زمان بطور علنی با آمریکا به زد و بند پرداخت. بهمین دلیل نیز **مهدی هاشمی** به خاطر افشای ایران گیت اعدام شد. در حال حاضر نیز، امکان حل مسئله هسته ای و تعامل با آمریکا بصورت پنهان و دور از نظر مردم ایران وجود ندارد. مسئله هسته ای موضوعی نیست که بتوان پشت دربهای بسته حل و فصل نمود. یا باید **سناریوی لیبی** را دنبال کرد یا باید مانند عراق درب تمام پادگان های سپاه و مراکز هسته ای را بروی بازرسان خارجی

« ظاهراً هیچ چیز از معامله دولت اوپاما با یک حکومت نامشروع و **دیکتاتور** جلوگیری نمی کند. اما این انتخابات هدیه ای بود باور نکردنی به تمام آن کسانی که کل مذاکره با ایران را مورد سؤال قرار می دهند.

اشتهای سیری ناپذیر حاکمان ایران برای قدرت باعث گردید تا بهترین هدیه را تقدیم سخت ترین دشمنان خود کنند. **گری سیک در مصاحبه با شورای روابط خارجی:**^۵

« با توجه به وقایع اخیر می توان گفت که بدون شک، آغاز گفتگو با ایران به **مأموریتی** بی نهایت دشوار تبدیل گردیده است. اگرچه این کار قبل از این نیز کار ساده ای نبود اما پس از کودتای کنونی و با پوشش خبری که وقایع ایران بخود اختصاص داده، آندسته از کسانی که در آمریکا و اسرائیل با مذاکرات اوپاما با ایران مخالفت کرده و خواهان تحریم و فشار بیشتر بوده اند، اکنون بازاریشان رونق پیدا می کند و حرفشان در کنگره و دیگر مراکز تصمیم گیری خریداران جدی تری پیدا خواهد نمود تا کل پروسه تعامل با ایران را متوقف نمایند. »

نکته بسیار مهم دیگری که در یک گزارش مجزا مورد بحث قرار می دهیم، تحولات کنونی در جنبش ضد جنگ در آمریکاست. همانطور که در گزارشات قبلی ذکر شد، این گروهها، **متحدهای اصلی** حکومت ملایان در آمریکا بودند که تحت نام **مبارزه** با سیاست های جرج بوش و مخالفت با جنگ احتمالی علیه ایران، به لابیست های حرفه ای رژیم تبدیل شده و حتی **نقض حقوق بشر** در ایران را نیز انکار میکردند.

با توجه به تحولات اخیر و موضعگیری بسیاری از این گروهها در مورد **سرکوب مردم ایران**، به سختی می توان پذیرفت که این افراد و گروهها در آینده در کنار لابی رژیم قرار گیرند. **حکومت آخوندی** بدون تردید یکی از اصلی ترین متحدان خود در آمریکا را از دست داده است.

• حکومت ایران بی ثبات و بدون آینده است

اکنون برای همه **ناظران بیطرف** روشن شده که شرایط ایران بحرانی است و با هر جرعه ای آتش دیگری شعله ور می شود. رژیم ایران بدون آینده و بی ثبات است. از اینرو، نمی توان با چنین حکومتی به یک **توافق استراتژیک** رسید.

از یک نگاه می توان گفت که پایه و اساس خط سازش با رژیم یا قبول سناریوی ایران مجهز به سلاح اتمی و به تبع آن **پذیرش هژمونی رژیم** در منطقه، روی این اصل قرار داشت که حکومت ایران پایدار و باثبات است و آمریکا چاره ای مگر کنار آمدن با این حکومت نخواهد داشت. اگر به گزارشاتی که

بدون درک رابطه بین این دو یعنی **سرکوب داخلی** و بحران خارجی، نمی توان شناخت درستی از روند سیاست خارجی **خامنه ای - احمدی نژاد** داشت. نمونه روشن آن، ایجاد بحران در رابطه با اروپا و آمریکاست که رژیم آخوندی تنها برای فراهم کردن **فضای سرکوب** جنبش مردمی براه انداخته است. گروگانگیری شهروندان فرانسوی و کانادایی یا کارمندان سفارت انگلیس و خبرنگار آمریکایی، نمونه کوچکی از ایجاد بحران در روابط خارجی بمنظور ادامه سرکوب در داخل است. اتهام **میرحسین موسوی** نیز آنچنانکه **حسین شریعتمداری** می گوید، ایفای نقش ستون پنجم برای سازمان سیا و پنتاگون است.

• **حکومت ایران در انتظار عمومی جهان نامشروع گردیده و معامله با آن برای آمریکا دشوارتر می شود.**

طبیعی است که نشستن بر سر میز مذاکره با **قاتلان ندا**، **بهای گزافی** می طلبد که پرداخت آن برای آمریکا و بخصوص اوپاما بسیار دشوار است. باید در نظر گرفت که برای معامله با ایران بایستی بسته پیشنهادی افزایش یابد و ضمناً به حکومت ملایان تضمین های امنیتی نیز داده شود. پرداخت چنین بهای سنگینی در شرائط کنونی که جنایات رژیم روی صفحه تلویزیون های جهان مشاهده می شود، غیر واقعی و دور از انتظار است. ریچارد هاس، رئیس شورای روابط خارجی و از اصلی ترین طرفداران کنار آمدن با ملایان می گوید:^۳

« **اوپاما** بایستی گفتگو با ایران را فعلاً از دستور کار خارج کند تا اینکه نتیجه کشمکش کنونی در ایران روشن شود. نایبستی اینطور نشان دهیم که هر اتفاقی در ایران بیفتد برایمان مهم نیست و به کار خودمان مثل گذشته ادامه می دهیم. »

• **با توجه به نامشروع بودن رژیم، دست مخالفان خط سازش با ایران، بخصوص در کنگره آمریکا بازتر می شود**

همانطور که می دانیم، طی سالهای گذشته و بخصوص ماههای اخیر، یک **نبرد شدید** بین محافل صاحب نفوذ در آمریکا بر سر اینکه با ایران چگونه رفتار شود در جریان است. در یک طرف کسانی قرار دارند که خواهان **برخورد شدید و تحریم کامل** رژیم ایران هستند و در طرف دیگر، طرفداران مماشات با ملایان قرار دارند. با توجه به نتایج زیان بار سیاست های جرج بوش، بنظر می رسد که تا همین اواخر، محافل طرفدار نزدیکی به ایران دست بالا را گرفته بودند. اکنون، به یمن تحولات اخیر، تعادل کنونی در واشنگتن دگرگون شده است. به دو اظهار نظر از گری سیک نگاه کنیم:

یادداشت های روزانه گری سیک:^۴

همین فشارهای سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی، یعنی تحریم های سازمان ملل، تحریم های آمریکا و متحدانش و انزوای دیپلماتیک (بخاطر برنامه اتمی) بود که شکاف بین حکومت با مردم و به تبع آن شکاف درون سیستم را بارزتر نمود.

طرفداران همزیستی با ملایان و بخصوص لابی نفتی، با تکیه بی اثر بودن تحریم ها، خواهان کنار گذاشتن سیاست چماق و هویج و کنار آمدن با رژیم ایران بودند. اکنون، وقایع اخیر ایران باطل بودن این **نظریه** را نشان داده و یکی از پایه های نظری **سیاست همزیستی** را مخدوش نمود.

• تحولات اخیر در ایران، باعث تضعیف متحدان منطقه ای رژیم گردیده و یکی از پایه های اصلی حفظ جمهوری اسلامی یعنی **صدور بنیادگرایی** را متزلزل می کند

طی هفته های اخیر و به یمن قیام مردم ایران، صدها میلیون تن از مردم عرب و جهان اسلام، با چشمان خود ناظر جنایات حکومت و بی پایگی اجتماعی آن در ایران بودند. اثر مستقیم تحولات اخیر، تضعیف متحدان حکومت مانند **حزب الله** و **حماس** و **مقتدی صدر** در کشورهاشان خواهد بود. رژیم ایران طی دهها سال و با صرف میلیاردها دلار، مجموعه ای از متحدان مرتجع و فاشیست را در منطقه سازماندهی کرده بود تا بلا ی سپری برای حفظ حکومت اش باشند و ضمناً وسیله ای برای **شاتاژ غرب** و کم کردن فشار روی حکومت ملایان گردند. این کارت برنده جمهوری اسلامی بود که اکنون در حال باطل شدن است.

یکی از مهمترین استدلال های **طرفداران مماشات** با رژیم ایران این بود که برای آرام کردن منطقه، آمریکا باید به ملایان امتیاز داده و بخصوص بر سر مسئله هسته ای کوتاه بیاید. به بیان دیگر، نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه، یک نوع **اهرم فشار** برایش فراهم کرده بود. این اهرم در حال ضعیف و کمرنگ شدن است. بنابراین، یکی دیگر از دلائل کوتاه آمدن غرب در مقابل ملایان بلاموضوع می شود.

نتیجه گیری

بنظر می رسد که به یمن جنبش مردمی در ایران، میز مذاکره با رژیم ایران واژگون شده و در زمانی بسیار کوتاه تر از آنچه پیش بینی می شد، آمریکا و متحدان وی سیاست تقابل یعنی **افزایش جدی تحریم ها** را پیش خواهند گرفت. اظهارات چند روز اخیر **هیلاری کلینتون**، باراک اوباما و سران هشت کشور صنعتی که شروع تحریم های جدید از ماه سپتامبر به بعد را نوید می دهند، تنها اولین نشانه های این دوران جدید می باشد.

توسط لابی رژیم و محافل طرفدار ملایان در طول یکسال گذشته منتشر شده نگاه کنیم، شاه بیت اصلی این گزارشات، تکیه بر ثبات و **استحکام حکومت ایران** بوده است. اکنون، اساس و چهارچوب این دستگاه فکری مخدوش گردیده و این نظریه ضعیف و غیرقابل قبول می شود.

از طرف دیگر، توافق با حکومتی بی ثبات که اکثریت مردم در مقابل آن قرار گرفته اند، به معنای رو در رویی با مردم ایران و به خطر انداختن **رابطه استراتژیک** بین ایران و آمریکا است. تا قبل از تحولات اخیر، معامله با حکومت آخوندی، الزاماً به معنای تقابل با مردم ایران نبود. اکنون، این معادله تغییر کرده است.

• فشار تحریم باعث افزایش شکاف در داخل حکومت و

اختلاف بر سر برنامه هسته ای شده است

هنگامیکه در سال ۲۰۰۲ برنامه هسته ای حکومت افشاء گردید، یک اختلاف نظر در بالای حکومت بروز کرد. این اختلاف بر سر این بود که با کدام شیوه می توان با هزینه کمتر به بمب اتم دست یافت. بنابراین، اختلاف بر سر **نحوه رسیدن** به این هدف بود.

طی چند سال گذشته، با افزایش فشار بین المللی و با بالا رفتن هزینه **برنامه هسته ای رژیم**، جناح رقیب خامنه ای به این نتیجه رسیده است که ادامه **برنامه هسته ای** می تواند باعث سقوط کل نظام گردد. ادامه فشارهای غرب و چشم انداز تاریکی که در مقابل رژیم قرار داده باعث شد که شکاف اولیه که در مورد شیوه دستیابی به بمب بود اکنون به اصل قضیه یعنی ادامه یا توقف کامل این پروژه رسیده است. یعنی جناح **رفسنجانی** و **خاتمی** بر این عقیده اند که اصولاً بایستی برنامه اتمی را متوقف نمود. بنابراین، ادامه **فشارهای دیپلماتیک** و اقتصادی غرب باعث بازتر شدن شکاف در داخل سیستم گردیده است.

از اینرو بایستی روی این نکته مهم تأکید کنیم که فشار بیرونی (تحریم) بجای منسجم کردن حاکمیت، آنرا تکه تکه می کند. این تحول نیز بنوبه خود آمریکا را متقاعد می کند که بایستی بجای تعامل با رژیم، به **فشار و تحریم های موجود** بیفزاید.

یکی از شگردهای همیشگی لابی رژیم ایران و طرفداران آن در خارج این بود که اولاً **تحریم های اقتصادی** و دیپلماتیک روی رژیم اثر نمی کند و اگر آمریکا به ملایان فشار آورد، مردم یکپارچه پشت سیستم قرار می گیرند و در درون حکومت نیز **انسجام بیشتری** بوجود می آید. اکنون کاملاً مشخص شده که

شورای ملی و سنا را در دست گرفتند و از این تاریخ همواره اکثراً فراماسون ها در این مجالس منصوب می شدند که در آنجا دفاع از منافع و حقوق ملت و میهن اهورائی خبری نبود.

البته جنبش پادشاهی مشروطه توسط دو دسته از عوامل انگلیسی ها فراهم آورده شد، یک گروه نواندیشان اروپا دیده، که به دنبال مشروطه پادشاهی اروپایی بودند که دانش آنها از فرهنگ و مذهب و جامعه آن روز مردم ایران کم بود و از قدرت مذهبیون بی اطلاع بودند و گروه دوم که بزرگتر هم بودند، ملایان و اهل عمامه بودند که پیشگامی را هم انگلیسی ها به ایشان دادند از جمله **بهبهانی، طباطبایی، خراسانی، حاجی تهرانی** و **حاج شیخ مازندرانی** که پادشاهی مشروطه را بدانسان که در اروپا بود نمی خواستند، البته ذکر این نکته لازم است که صرفنظر از آخوندستیزی روشنفکرانی مثل **میرزا آقاخان کرمانی**، هیچ مشروطه خواهی کمترین تصویری از ضدیت با شریعت در نظام **پادشاهی مشروطه** ارائه نداده است و اکثر آنها عقیده دارند مشروطیت کاملاً منطبق با اصول اسلامی است که این نیز افکار استعمارگران و عوامل آن است که با شریعت می توانند مردم را به هر سو که می خواهند بکشاند.

برای همین بود که در اصل اول متمم قانون اساسی پادشاهی مشروطه، مذهب رسمی ایران، اسلام و طریقه حقه، اثنی عشریه شد و اصل دوم متمم قانون اساسی بر نظارت مجتهدان در اقدامات و تصمیم های مجلس و امر قانونگذاری تأکید نمود، در نتیجه جنبش پادشاهی مشروطه قانونی کردن و تثبیت قدرت مذهبیون در جامعه بود. در غیاب یک گروه میهن پرست و سیاستمدار، همراه با چند انسان خوش نیت اغفال شده و سه چهار فقره اهل عمامه و فرصت طلب که هرگز با مفهوم ملیت و هویت ملی آشنا نبوده اند قانون اساسی پادشاهی مشروطه نوشته شد، که در آن مذهب، اساس روابط انسانها را تعیین می کرد.

در سال های پایانی سلطنت **ناصرالدین شاه**، وجود او بصورت معضلی برای استعمارگران جلوه می کرد، در آن دوران روس، انگلیس و عثمانی هر یک به نحوی از پادشاهی که قریب پنجاه سال بر تخت سلطنت تکیه زده بود و حرص و آزش پایان نداشت، نا امید شده بودند.

سر آرتور هاردینگ

سر آرتور هاردینگ از سال ۱۹۰۱ تا ۲۶ ژانویه ۱۹۰۶ در ایران مقام وزیرمختاری داشت و از نزدیک در تقسیم وجوه موقوفه هند در ایران و بین النهرین نظارت داشت.

قابل پیش بینی است که با کم رنگ شدن خط گفتگو، دو سناریو برجسته می شود. یکی تقابل بین جمهوری اسلامی و غرب که مشخصه اصلی آن افزایش چشمگیر تحریم هاست. طبیعی است که در صورت عدم **موفقیت غرب** در همراه کردن روسیه و چین و ناتوانی از اعمال **تحریم های جدی**، و با نزدیک شدن ایران به نقطه اتمی، خطر درگیری نظامی افزایش می یابد. سناریوی دیگر همان است که لابی های نفتی و عوامل خود رژیم تبلیغ می کنند که بر طبق آن، آمریکا بایستی با اذعان به ناتوانی خویش در **توقف برنامه هسته ای** ایران، با قبول یک ایران اتمی، به یک تعادل **استراتژیک** با ایران برسد.

این خط بسیار ضعیف و نامحتمل است. آمریکا قبل از پذیرش شکست، از تمام **امکانات** خویش برای اعمال شدیدترین فشارهای اقتصادی و دیپلماتیک استفاده خواهد نمود و به یک ایران اتمی رضایت نخواهد داد. بهمین جهت، این سناریو در حال حاضر منتفی است.

یادداشت ها:

۱ - سوزان مالونی

<http://www.thedailybeast.com/blogs-and-stories/2009-06-13/an-absurd-outcome/3/>

۲- نشریه اینترنتی دیپلماسی ایرانی

<http://www.irdiplomacy.ir/index.php?Lang=fa&Page=24&TypeId=1&ArticleId=4964&BranchId=1&Action=ArticleBodyView>

۳ - نقل قول از ریچارد هاس

http://www.washingtontimes.com/news/2009/jun/24/us-contacted-irans-ayatollah-before-election/?feat=home_cube_position1&page=2

۴ - گری سیک:

<http://garysick.tumblr.com/post/123070238/iran-s-political-coup>

۵ - مصاحبه گری سیک با شورای روابط خارجی

http://www.cfr.org/publication/19622/troubling_message_from_tehran.html?breadcrumb=%2F

انقلاب مشروطه و دسیسه های انگلیس

فلسفه جنبش پادشاهی مشروطه سال ۱۲۸۹ در شرایطی صورت گرفت که هم آخوندها و هم شاه در جامعه قدرتمند بودند و روابط و ضوابطی در عملکرد آنها نسبت به مردم وجود نداشت. انگلیسی ها با جنبش پادشاهی مشروطه و قانون اساسی آن، قدرت ملایا و شاه را در حکومت بر مردم تقسیم کردند و دو مجلس

میان کلان، کلان میراث فرهنگی ایران را به یغما برد و به فرانسه منتقل کرد و آنها را در جهان نیز بفروش رسانید.

انقلاب به اصطلاح مشروطه در سال های ۱۲۹۰ - ۱۲۸۴ شمسی (۱۹۱۱-۱۹۰۵م) صورت گرفت و باعث شد که انگلیس صد در صد بر سرنوشت میهن ما چیره شود و با همیاری رجال خائن توانست درهای توسعه و ترقی و مدرنیته و همچنین دمکراسی و مردم سالاری را بر روی میهن ما مسدود سازد. انگلیس توانست با همکاری **شبکه فراماسونری** خود، انقلاب فرانسه، عثمانی، روسیه و ایران را رهبری کند. هر کدام مبحثی است که به آن اشاره خواهد شد.

(تشکیل فراماسونری فرانسه در ۲۶ ژوئن ۱۷۷۳ به نام لژ خاور بزرگ فرانسه و اولین انقلاب فرانسه در زمان **لویی شانزدهم** با به تصرف درآوردن زندان باستیل در سال ۱۷۸۹ صورت گرفت و در سال ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸ انقلابات بعدی فرانسه با هدایت شبکه فراماسونری بوقوع پیوست.



ژان ژک روسو، نویسنده انقلابی **فراماسون** فرانسه (۱۷۷۸-۱۷۱۲) یکی از عوامل اصلی محرک انقلاب فرانسه بشمار می رود.)

در ژوئیه سال ۱۹۰۶ مردم که از اعمال وزیر اعظم، **عین الدوله** خسته شده بودند و می دیدند، جان و مال آنها همه روزه در معرض تباهی است یک عده پانزده هزار نفری بعنوان عدالتخواهی به سفارت انگلیس رفتند. در آن زمان انگلیس بصورت پادشاهی مشروطه اداره می شد، و انگلیسیها توسط چند تن از ایرانیان که در دوره **ناصرالدین شاه** رانده شده بودند، به این مردم تفهیم کردند که باید مشروطه خواهی کنند و رژیم مشروطیت چیست و چه می گوید. از آن پس کلمه «**عدالت**» رهاشد و لغت **مشروطیت** جای آن را گرفت.

در بهار سال ۱۳۲۱ ه . ق (۱۲۸۲ ه . ش) با دسیسه **عوامل فراماسونری انگلیس**، بازاریان تبریز در اعتراض به مسئولان

او در کتابی که نوشته است در مورد پرداخت مقرری چنین می نویسد: «**این بودجه در دست من یک اهرم قوی بود که باعث شد بین من و روحانیون ایران روابط حسنه ایجاد شود (وجه اوقاف اود توسط پادشاه «اود» پرداخت می شد که صرف تحصیل محصلین شیعه شود) و هر عملی که می خواستیم در ایران و بین النهرین به راحتی انجام می گرفت. این بودجه قادر به حرکت هر بار سنگینی بود که در مقابل ما قرار می گرفت.»**

سر آرتور هاردینگ در شش سال مأموریت خود در ایران و توسعه مبارزات پنهانی روس و انگلیس بر سر تقسیم ایران به مناطق نفوذ، حوادث گوناگونی را بوجود آورد که از آن جمله می توان کوشش در راه استفاده اقتصادی و سیاسی از ایران، انعقاد قرارداد نفت جنوب، دامن زدن بلواها و ایجاد انقلابات در سراسر ایران و تشکیل انجمن های مخفی و ایجاد انقلاب مشروطه برای از بین بردن نفوذ روسیه در دربار **مظفردین شاه** و جانشین کردن طرفداران، عمال و خبردهنده ها و جاسوسان انگلیس در مجلس و سازمانهای درباری و دولتی ایران را نام برد. چرا که ایجاد دو فراکسیون در مجلس **اعتدالیون** و **دمکرات** (که هر دو گروه از عوامل انگلیس بودند) و نزاع و مجادله ظاهری مابین آنها برای نشان دادن وجود اندیشه و افکار متفاوت مابین آنها و نمایان ساختن روحیه دمکراسی بوده است. باید گفت که انگلیس همواره، مخالف و موافق یک اندیشه، یک دولت، یک حکومت را در دست داشته و با آن توانسته است هر مسیری را خواسته است ترسیم نماید و اکنون هم در ایران از گروه محافظه کار و اصلاح طلب برای نشان دادن وجود اپوزیسیون و پوزیسیون برای خنثی کردن حرکت های خودجوش واقعی استفاده می کند.

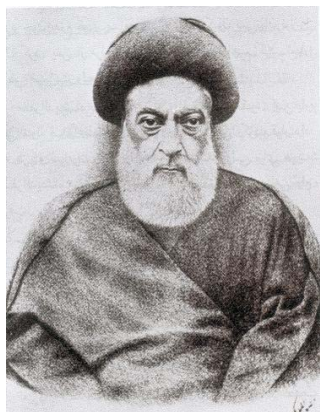
(همچنانکه اکنون مشاهده می شود **اپوزیسیون ستون پنجم** هم در خارج فعال است و سد راه نیروی واقعی و میهن پرست که برای براندازی اقدام می کنند، می باشد. از آن جمله می توان همه رادیوها و تلویزیون ها را نام برد که کلمه ای در مورد براندازی حکومت جبار اسلامی ذکر نمی کنند و از جنبش براندازی حمایت نمی کنند.)

انقلاب مشروطه که توسط جماعت انگلوفیل انجام شد برای این بود که رقبای خود را مانند روسیه، فرانسه، بلژیک، سوئد، آلمان که هر یک سهمی از این مرز پرگوهر می برند، از ایران بیرون راند. برای مثال گمرکات ایران توسط **بلژیکی** ها اداره می شد، پلیس ایران را **سوئدی** ها اداره می کردند، **روس** ها، قزاق ها و قوای سلطنتی را فرماندهی می کردند و **فرانسه** به اشاعه و تعلیم فرهنگ خود یعنی استعمار فرهنگی مشغول بود که در این

ه.ش. مأمورین دولتی، **شیخ محمد واعظ اصفهانی** را که مردم را به



شورش و می دارد دستگیری می کنند ولی مردم او را از چنگ سربازان در می آورند و در نتیجه تیراندازی سربازان، **سید عبدالحمید** کشته می شود. بازار تعطیل و مردم و طلاب به رهبری **سید محمد طباطبائی، سید عبدالله**



بهبهانی و فضل الله نوری در مسجد جامع تحصن می کنند، در فردای آن روز درگیری به صحن مسجد کشیده شده و در اثر تیراندازی سربازان، قریب یک صد نفر از مردم و سربازان کشته و زخمی می شوند، فشار سربازان باعث می شود که متحصنین مسجد را ترک کرده و به طرف قم (برای تحصن در آنجا) رهسپار شوند و در حدود دو هزار نفر از بازاریان و اهل عمامه همراه با رهبران آنها، به مدت شش روز در راه بودند.



سیدین بهبهانی و طباطبائی نامه ای به سفارت انگلیس

نوشته و تقاضای همراهی با میلیون می کنند. خواست آنها این بود که مشکلات جامعه توسط وزیر مختار انگلیس به اطلاع شاه برسد. البته این نامه وسیله ای بود که مردم توسط سفارت انگلیس هدایت شوند و **سناریوی انقلاب مشروطه توسط انگلیس** اجرا گردد. البته سه روز پس از حرکت دسته مردم به قم، اولین جماعت پنجاه نفری مردم در باغ سفارت انگلیس در شهر متحصن شدند و با هماهنگی **اهل عمامه و بازاریان** همیشه در خدمت انگلیس، همه روزه عده متحصنین در سفارت انگلیس اضافه می شد بطوریکه عده آنها از پانزده هزار نفر تجاوز کرد. بازاریان چادرها را در باغ افراشته و دیگ ها را روی آتش قرار

بلژیکی گمرک ایران بازار را بستند و خواهان اخراج « **مسیو پریم** » مسئول گمرک آذربایجان شدند.

در اسفند ۱۲۸۳ ه. ش عکس « **مسیو نوز** » رئیس گمرک ایران که با عبا و عمامه توسط انگلیسیها برداشته شده بود منتشر شد، اهل عمامه آن را بعنوان توهین به اسلام تلقی نمودند و مردم را بر علیه مسیو نوز شوراندند. اهل عمامه های مزدبگیر انگلیس در شاه عبدالعظیم متحصن شدند و ضمن تقاضای لغو تعرفه گمرکی خواستار استعفای « **نوز** » شدند، همراه با این جریان به دلیل احتکار عده ای از بازاریان و سرمایه داران انگلیس در شهرها اعتراضات عمومی گسترش یافت.



- ۲۰ آذر ۱۲۸۴ ه. ش در تهران چند تاجر قند برای احتکار قند و ایجاد نارضایتی مردم توسط حکومت شلاق خوردند و همین عمل نخستین انفجار هماهنگ شده عمومی را در انقلاب مشروطه انگلیسی تبار بر می انگیزد.

- ۲۲ آذر ۱۲۸۴ ه. ش دوباره اهل عمامه و بازاریان وابسته در شاه عبدالعظیم متحصن می شوند و خواستار هشت اصل می گردند، و آنها عبارتند از: ۱- عزل مسیو « **نوز** » وزیر گمرک و مالیه ۲- عزل **علاء الدوله** حاکم تهران ۳- **عزل عسکر گاریچی** راهدار قم ۴- بازگرداندن **میرزا محمد رضا مجتهد** تبعیدی کرمانی به موطن خویش ۵- بازگرداندن مدرسه مروی و موافقات آن به متولی باشی سابق آن ۶- لغو دستور کاهش مستمری کارمندان ۷- بنای عدالتخانه با رعایت احکام اسلامی در تمام شهرهای ایران ۸- اجرای قانون اسلام بدون تبعیض درباره تمام مردم.

در این شرایط در اثر فشار هدایت شده، شاه مجبور می شود با خواست هشت گانه بالا موافقت کند ولی شورش در تهران و شهرهای دیگر ادامه پیدا می کند، در شیراز در اثر درگیری مردم با حکومت عده ای به **شاه چراغ و قنسولخانه** (کنسولگری) انگلیس پناهنده می شوند. در تهران ۱۹ تیر ۱۲۸۵

انگلیس بودند. پس از دو ماه شورش و کشمکش در تمام ایران و اصلاحاتی در فرامین شاهی، مجلس شورای ملی در ۱۴ مهر ۱۲۸۵ ه. ش با حضور ۵۷ نفر در **کاخ گلستان** در حضور شاه افتتاح و شروع به کار می کند. در فردای آن روز در جلسه



صنیع الدوله

مجلس شورای ملی **مرتضی قلی خان صنیع الدوله** داماد **مظفردالدین شاه** به ریاست مجلس برگزیده می شود و **میرزا حسن خان وثوق الدوله** به نیابت اول و **حاج محمد حسین امین الضرب** به نیابت دوم مجلس انتخاب می شوند.



تعدادی از نمایندگان دوره اول مجلس (از راست به چپ): میرزا محمدخان مخبرالملک (محمد هدایت)، میرزا محمدخان صدیق حضرت (محمد مظاهر)، میرزا آقافرشی، شیخ ابراهیم تبریزی، مرتضی قلیخان نائینی، میرزا حسن خان وثوق الدوله (حسن وثوق)، حاج آقا رضا رئیس التجار (رضا مهدوی)، میرزا صادق خان مستشارالدوله (صادق صادق)، حسنعلی خان نصرالملک (حسنعلی کمال هدایت)،

سید حسن تقی زاده، میرزا حسن خان بانکی

قانون اساسی به اسم «**نظامنامه سیاسی**» مشتمل بر ۵۱ اصل که به تصویب مجلس شورای ملی رسیده بود از طرف **مظفردالدین شاه** در تاریخ ۸ دی ماه ۱۲۸۵ ه. ش تصویب و امضاء شد و صورت قانونی یافت. ده روز پس از امضاء قانون اساسی، مظفردالدین شاه در ۱۹ دی ماه درگذشت و **محمد علی میرزا** بجای او نشست.

برگرفته از جلد اول کتاب پرده های ابهام

به قلم دکتر آرمان نوری

دادند. بازاریان هزینه تحصن را تأمین کردند. اداره کردن این عده با **حاج محمد تقی بنکدار** و **حاج محمد مرتضوی** بود.



عده ای از صاحب منصبان و قزاقان به متحصنین سفارت انگلیس پیوستند و شاه از این مسئله نگران گردید و خواسته های متحصنین که همان خواسته های دولت انگلیس بود توسط وزیر مختار انگلیس به شاه ابلاغ گردید، که به پنج مورد اشاره شده بود:

۱- بازگشت رهبران اهل عمامه که در قم بودند، به

تهران.

۲- عزل **سلطان عبدالمجید**

میرزا عین الدوله صدر اعظم.

۳- افتتاح مجلس شورای

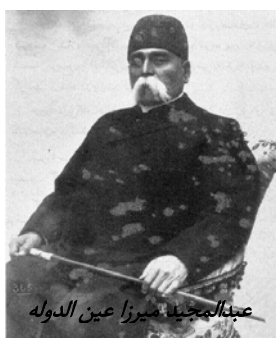
ملی.

۴- قصاص قاتلین **سید**

عبدالحمید.

۵- بازگردانیدن تبعید

شدگان به تهران.



عبدالمجید میرزا عین الدوله

مظفردالدین شاه با فشارهای انگلیس مجبور می شود تمام خواسته های انگلیس را که از دهان متحصنین بیرون می آمد، بپذیرد. او **عین الدوله** را عزل می کند و **میرزا نصرالله خان مشیرالدوله** که با انگلیسی ها سر و سری داشت را به صدارت منصوب می کند و در انتها با فشار انگلیسی ها و شورش هدایت شده مردم در فاصله ۱۴ تا ۱۸ مرداد ۱۲۸۵ ه. ش مظفردالدین شاه **فرمان مشروطه** را صادر می کند.

تشکیل مجلس موقتی و مقدماتی برای تدوین نظامنامه انتخابات از جمعیت اهل عمامه و سران جنبش و عده ای از وزیران و درباریان آغاز می شود که همگی از حقوق بگیران

صف بندی ها و شعارهای سیاسی در حرکت های خارج کشور

بهرام رحمانی



تحولات اخیر ایران، جهان را شگفت زده کرده است. امیدواری برای تغییر وضعیت موجود در ایران، بسیار بیش تر و خوشبینانه تر از گذشته است. از این رو، گرایشات مختلف سیاسی وابسته به طبقات اصلی جامعه در داخل و خارج

کشور، در تلاشند تا **آلترناتیو سیاسی و اجتماعی** خود را در مقابل جامعه قرار دهند. حتی بسیاری از عناصر و سخن گویان گرایشات مختلف درون حکومت اسلامی، به خارج کشور اعزام شده اند تا با همکاری نهادها و سازمان ها و شخصیت های راست، لیبرال، فرصت طلب و اپورتونیست طرفدار این و یا آن جناح درونی حکومت، به تبلیغ و ترویج و بسیج دست بزنند. این عناصر و عوامل در پوشش های مختلف ظاهر می شوند که یک وجه مهم آن، لطمه زدن به اعتبار مبارزات سه دهه اخیر طبقه کارگر و به طور کلی **نیروهای چپ و سوسیالیست و آزادی خواه** و به حاشیه راندن مسئله سرنگونی کلیت حکومت اسلامی و به قدرت رساندن جناحی از حکومت در مقابل جناح رقیب آن است. برخی از آنها، آشکار و نهان تئوری های زیادی می بافند و سیاست های رنگارنگی را به کار می گیرند تا رقابت ها و سیاست های خود را پیش ببرند. سیاست هایی که عموماً بر علیه منافع و سیاست های مردم مزدبگیر و **زحمت کش و محروم و آزادی خواه** ایران است.

اساساً سیاست امر فردی و یک جانبه ای نیست. نقطه اتکاء سیاست مبتنی بر **تضادهای طبقاتی**، صف بندی های سیاسی و اجتماعی، تحلیل ها، شعارها و اهداف خود است. بر این اساس، اگر در هر تحول سیاسی صف بندی های طبقاتی نادیده گرفته شوند، طبقه ای به سیاهی لشکر طبقه دیگر تبدیل می شود. برای مثال، انقلاب **بهمن ۱۳۵۷** مردم ایران را همه مردم آزاده و در پیشاپیش همه **کارگران قهرمان** صنایع نفت به پیروزی رساندند. اما به طور کلی طبقه کارگر و همه نیروهای آزادی خواه و برابری طلب نه تنها هیچ سهمی از این انقلاب نبردند، بلکه سی سال است که به لحاظ سیاسی سرکوب و به لحاظ اقتصادی در فقر و رنج و مشقت به سر می برند. عوامل مختلف اقتصادی و سیاسی داخلی و بین المللی سبب شد تا چنین حکومت هیولایی

از دل چرکین حکومت پهلوی بیرون جهید. یکی از عوامل اصلی شکست گرایش چپ و آزادی خواه در مقابل تاریک اندیشان، عدم استقلال مبارزه طبقاتی کارگران و همه نیروهای سوسیالیستی و آزادی خواه در مقطع انقلاب ۵۷ بود. « شعار همه با هم »، شعار لیبرال ها و گرایشات راست است که سرانجام به دست بالا گرفتن **گرایشات بورژوازی** در تحولات تاریخی و اجتماعی منجر می گردد.

طبقات اصلی جامعه، یعنی طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار در تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی منافع مشترکی را دنبال نمی کنند و فراتر از آن، این دو طبقه همواره در مقابل همدیگر قرار دارند. زیرا طبقه سرمایه دار به عنوان اقلیتی با اتکاء به ابزارهای دولتی و پلیس و ارتش، **طبقه کارگر** را استثمار می کند و هر جایی که طبقه کارگر به دلایل اقتصادی و سیاسی دست به اعتصاب و اعتراض می زند بلافاصله حکومت نیروهای سرکوبگر خود را برای **سرکوب اعتصابیون** به سراغ آن ها می فرستد. دولت به عنوان مهم ترین نهاد سیاسی از نظر اجتماعی بین هوا و زمین قرار نگرفته است، بلکه در بطن ارگان ها و شبکه های پیچیده ای از منافع و علایق اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد و براساس این منافع و علایق، حرکت می کند. بنابراین، دولت های **بورژوازی** حافظ منافع طبقه خود هستند. اگر کارگر و سرمایه دار در تحولات سیاسی و اجتماعی در یک صف قرار بگیرند به احتمال قوی **گرایشات عقب مانده** و ستم گر و استثمارگر دست بالا را می گیرند.

هنگامی که حاکمیت از سوی مردم معترض تحت فشار قرار می گیرد **تضادها و رقابت** جناح های درون آن شدت می گیرد و وارد مناقشه می شوند. مناقشه ای که ربطی به طبقات فرودست ندارد. اما این تضادها به نفع طبقات فرودست است به شرطی که جامعه به این مسئله آگاه باشد تا از چاله درنیامده به چاه دیگری سقوط نکند.

هدف این نوشته تأکید به منافع طبقات مختلف اجتماعی در تحولات جاری جامعه از یک سو و تأکید بر استقلال مبارزه طبقات در داخل و خارج کشور از سوی دیگر است. جامعه ما، به دلیل این که عملاً نتایج فاجعه بار شعار « همه با هم » را تجربه کرده است اکنون نباید اجازه دهد این **فاجعه** تکرار شود. از این رو، باید سیاست ها و شعارها و جهت گیری های سال ۵۷ را مورد نقد قرار داد تا از تکرار **سناریوی های فاجعه بار** سیاسی آن سالها جلوگیری کرد.

برای نمونه، در تظاهرات های دو هفته اخیر در خارج کشور، طیف توده - اکثریتی، جمهوری خواهان، لیبرال ها و غیره

نیز **عوام فریبی** بیش نیست و حزب الله و خامنه ای و رفسنجانی و سپاه و بسیج هم ایرانی هستند. در آینده مردمی که حکومت اسلامی را سرنگون می کنند حکومت دلخواه و پرچم دلخواه خود را نیز تعیین می کنند. بنابراین، از همین حالا تحمیل پرچم به مردم ایران، جز اعمال دیکتاتوری معنی دیگری ندارد. اگر این ها واقعاً دلشان به **سرکوب مبارزات** مردم ایران می سوزد، بهتر است که این پارچه ها کنار بگذارند و بر روی پارچه مورد علاقه قرمز، سفید، زرد و یا مقوا و غیره خود شعارهایی نظیر « سرنگون باد حکومت اسلامی»، « زندانی سیاسی آزاد باید باشد»، « شکنجه و اعدام و سنگسار لغو باید گردد»، « زنده باد آزادی بیان، قلم و اندیشه» و غیره را بنویسند. اگر هم فرقه گرایی برای شان این قدر مهم است که حتماً باید **پرچم سلطنتی** خود را بالا ببرند بهتر است فراخوان خود را برای تجمعات شان بدهند و هر پرچم و تصویری هم دوست دارند با خود حمل کنند تا مزاحمت برای تجمعات نیروهای چپ و آزادی خواه درست نکنند و به آزادی انتخاب برگزارکنندگان و شرکت کنندگان تجمعات احترام بگذارند.

از سوی دیگر، برخی سازمان ها و احزاب چپ نیز **شعارهای پوپولیستی** و عموم خلقی و همه با هم و یا حتی **شعارهای بورژوازی** سر می دهند و توجیه شان این است که این شعارها را مردم ایران در خیابان ها فریاد می زنند. در حالی که مردمی که در خیابان های ایران شعار می دهند موقعیت دیگری دارند و مهم تر از همه **تهدیدات امنیتی** به آنها اجازه نمی دهد که حرف آخرشان را اول بزنند و مثلاً آن ها به جای سرنگونی حکومت اسلامی، « مرگ بر دیکتاتور» سر می دهند. در حالی که در خارج کشور، باید **صریح و روشن** مستقیماً شعار « سرنگون باد حکومت اسلامی»، فریاد زده شود. مثلاً مردمی که شب ها در پشت خانه هایشان « الله اکبر» سر می دهند بهتر است که به جای این **شعار ارتجاعی** و غیرواقعی اسلامی، شعار « زنده باد آزادی» سر دهند. یا سؤال این است که شعار « سیدعلی پینوشه ایران شیلی نمیشه»؛ چه بار سیاسی و طبقاتی را با خود دارد؟! اگر بحث بر سر **کودتای واقعی** است حکومت اسلامی سی سال پیش در پی **سرنگونی حکومت پهلوی**، کودتای خونین خود بر علیه انقلابیون واقعی را آغاز کرد. یعنی گرایش فاشیستی اسلامی با حمایت طیف توده ای - اکثریتی، جبهه ملی، نهضت آزادی و غیره از همان روزهای نخست انقلاب ۱۳۵۷، با حمله نظامی به کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان، با ممنوعیت فعالیت سازمان های سیاسی، تشکل های دموکراتیک کارگران، زنان،

که در صف **طرفداران موسوی** با باندهای سبز شرکت می کردند، سعی می نمودند مانع سر دادن شعار سرنگونی حکومت اسلامی شوند. اما اکنون با مبارزه پیگیر **نیروهای چپ** سرنگونی طلب این موج کم رنگ تر شده است.

طیف دیگری که در این روزها پرچم خود را به تظاهرات ها تحمیل کرده اند **طرفداران حکومت پهلوی** هستند. حکومتی که سی سال پیش با قدرت مردم سرنگون گردید. گروه های مختلف طرفدار احیای **سلطنت پهلوی**، در تجمعات بزرگ مخالفین حکومت اسلامی، پرچم به دوش می چرخند و آن را در مقابل دوربین های تلویزیون ها هوا می کنند تا از طریق رسانه های خودی نشان دهند. در حالی که این ها در این کشورهای آزاد می توانند صف های مستقل خودشان را با عکس های رضا شاه و پسرش و نواده اش بالا ببرند و کسی هم نمی تواند مانع آن ها شود. اما این ها به دلیل این که **منزوی** هستند تمام هم و غم شان بر این جهت گذاشته اند که گروه های چند نفری شان را به تجمعات **تحمیل** کنند. این طیف ها با این جهت گیری شان سیمای دیکتاتوری خود را به نمایش می گذارند. در این کشورها هرگز گرایشات چپ و گرایشات راست در یک صف قرار نمی گیرند. اما اینها با تفکر **فئودالی** و عقب مانده شان سعی می کنند حتی خود را به صفوف نیروهای چپ و **کمونیست** نیز تحمیل کنند. بعلاوه در کشورهای غربی کسانی که پرچم به دوش دست به تظاهرات می زنند عمدتاً نیروهای خارجی ستیز و **فاشیستی** هستند که این هم وجه مشترک سیاست طیف های طرفدار **احیای سلطنت** در ایران با آنهاست!

طیف های سلطنت طلب، برای این سیاست زورگویی و تحمیلی خود توجهات مختلفی می تراشند. یکی از توجهیات شان این است که مردم کشورهای میزبان با دیدن پرچم سه رنگ با **شیروخورشید** متوجه می شوند که این ها ایرانی هستند. این بدترین توجیه است. زیرا اولاً، جوامع میزبان از طریق جلسات دولت هایشان، خبرگزاری هایشان، کتاب تاریخی شان و نقشه هایشان، با پرچم سه رنگی آشناتر هستند که در وسط آن نام «الله» نقش بسته است. در حالی که پرچم سلطنت طلبان آرم شیروخورشید و شمشیر دارد. **مجاهدین** نیز این پرچم را حمل می کنند که آرمی در میان آن وجود ندارد. حال مردمی که این به منظره می نگرند باید یک جزوه تحلیلی و تفسیری در اختیارشان داشته باشند تا پس از خواندن آن متوجه بشوند که این پرچم ایران است. از سوی دیگر، این توجیه را پیش می کشند که این **سنبل همبستگی** جامعه ماست که چنین توجیهی

هستیم و می توانست لغو اعدام را به حکومت تحمیل کند شاید امروز شاهد اعدام ده ها هزار انسان بی گناه نبودیم.

یک مسأله مهم که در این جا باید تأکید کرد این است که هیچ کس و جریانی مجاز نیست از حضور افراد با **گرایشات** مختلف در تجمعات جلوگیری کند. این حق طبیعی و آزادی افراد است که به تشخیص خود در تجمعی شرکت بکنند و یا نکنند. بحث بر سر گروه هایی است که **هویت علنی** دارند. امروز مثلاً هویت بیرونی طرفداران موسوی استفاده از باندها و ماسک های سبزی که به دست و دهان خود می بندند و یا پارچه سبزرنگی است که بر دوش می کشند. طیف **توده ای - اکثریتی** و لیبرال ها و غیره نیز در این صف حرکت می کنند و از هر ترفندی استفاده می کنند تا مانع سر دادن شعار «سرنگون باد حکومت اسلامی» شوند. مثلاً اگر از درون جمعیت کسانی این شعار را بدهند **مجریان برنامه** صدای بلندگو را بیش تر می کنند تا شعار سرنگون باد حکومت اسلامی، به گوش تعداد زیادی نرسد. هویت سلطنت طلبان حمل پرچم با شیرخورشید و شمشیر است که در تظاهرات آن را می چرخانند و عکس و فیلم می گیرند تا از رسانه های خود به مردم ایران نشان دهند که این صف ماست؟! در حالی که حضور آنها در **تظاهرات های خیابانی** به غیر از آمریکا، در کشورهای اروپایی عموماً حضوری کم رنگ و ضعیف است که در تلاشند صرفاً با گرفتن پرچم خود در مقابل دوربین های تلویزیونی خودی نشان دهند. این هم زشت ترین سوء استفاده سیاسی از تجمعات **نیروهای چپ و آزادی خواه** توسط سلطنت طلبان است که طبعاً باید محکوم گردد.

بدن ترتیب، یکی از ویژگی های مبارزه سیاسی در این دوره، که به معنای واقعی منافع و مصالح انسانی و آزادی های فردی و اجتماعی را مدنظر دارد هرگز نباید بپذیرد که در صف سبزه های طرفدار **میرحسین موسوی** که طیف **توده ای - اکثریتی**، جمهوری خواهان، لیبرال ها و گاه سلطنت طلبان نیز در آن صف حضور دارند، شرکت کند. بر این اساس، باید بر استقلال صف مبارزه نیروهای **کارگری کمونیستی** و آزادی خواه، تأکید کرد. در کشورها غربی که آزادی های نسبی وجود دارد هیچ ضرورتی ندارد که نیروهای متعلق به طبقات مختلف در یک صف قرار گیرند. آنها مجازند و حق طبیعی شان است که صف های خود را سازمان دهند. اما برخی از گرایشات راست برای پیش برد **اهداف اپورتونیستی** خود اهداف خود را پنهان می کنند تا سیاست های اپورتونیستی خود را پیش ببرند. برای سلامتی مبارزات سیاسی و اجتماعی، نباید اجازه داد صف نیروهایی که به

دانشجویان، نویسندگان، روزنامه نگاران و هنرمندان و با **سرکوب** و **کشتار** و **ترور** موقعیت خود را تثبیت کرد. بنابراین، این شعار هم اکنون متناسب با شرایط طرفداری از موسوی صرفاً بر علیه خامنه ای و احمدی نژاد است نه شعار کسانی که در این سی سال برای سرنگونی حکومت اسلامی مبارزه کرده و بهای سنگین آن را نیز آگاهانه پرداخت کرده اند. اگر هم مقایسه ای صورت گیرد نه خامنه ای پینوشه است و نه موسوی آلوده، بلکه جنایات اینها بر علیه بشریت هزاران بار بیش تر از **دیکتاتورهایی** هم چون پینوشه است.

یا سر دادن شعارهایی هم چون مرگ بر خامنه ای، مرگ بر احمدی نژاد، مرگ بر موسوی، مرگ بر رفسنجانی و غیره نیز شعارهای نیروهای چپ و آزادی خواه و مخالف اعدام نیست. بر این اساس **نیروهای کارگری کمونیستی** مجاز نیستند چنین شعارهایی را سر بدهند. زیرا طبقه کارگر با طبقه سرمایه دار در جنگ طبقاتی دایمی به سر می برد و برای **سرنگونی سیستم** سرمایه داری می جنگد که سرنگونی حکومت بخشی از اهداف طبقاتی اش است. مبارزه طبقاتی تا لغو مالکیت خصوصی و کار مزدی ادامه می یابد و به زمان بیش تری نیاز دارد. شکی نیست که فعالین طبقه کارگر در این جنگ نابرابر جان خود را از دست می دهند و یا توسط حکومت سرمایه داری **اعدام** می گردند از این رو، اصولاً طبقه کارگر مخالف هرگونه شکنجه روحی و جسمی، زندانی سیاسی و اعدام است و نمی تواند مرگ فردی را بخواهد. خواست طبقه کارگر، مرگ و نابودی سیستم و حکومت است نه تک تک عناصر آن. بعلاوه همه آن نیروهایی که مخالف اعدام هستند نیز مجاز نیستند این شعارها را تکرار کنند. یا این شعار «می کشم، می کشم، آن که برادرم کشت»... اولاً این شعار اسلامی، بوی خون و **انتقام و قصاص** می دهد و هم شعاری کاملاً مردسالارانه است. زیرا قصد دارد انتقام برادر را بگیرد نه انتقام خواهر را. در عمق تفکر فرد و گروهی که مرگ فردی عوامل و سردمداران حکومت را می خواهد این مسأله قوی می گردد که در فردای قدرت گیری آنها را اعدام خواهد کرد و به دنبال آن برای بقای حکومت خود، دست به اعدام های وسیعی خواهد زد. جامعه ما، این عمل غیرانسانی، یعنی کشتن آگاهانه و از پیش طراحی شده مخالفین توسط حکومت را در پی پیروزی انقلاب ۵۷ تجربه کرده و تاکنون نیز تاوان سنگین آن را می پردازد. هنگامی که آیت الله **صادق خلخالی** هویدا، نخست وزیر شاه را اعدام می کرد اگر جامعه ما یک صدا فریاد می زد ما مخالف اعدام

باشد به معنای واقعی همانند داستان آب در هاون کوبیدن و داستان دوستی گرگ و میش است.

هم اکنون انعکاس **مبارزات** بر حق مردم رنج دیده در برابر حکومت اسلامی، به یک **مسئله جهانی** تبدیل شده است. این مسأله نه تنها در سطح گسترده ای **رسوایی** و **وحشی گری** سران حکومت اسلامی را به نمایش گذاشته، بلکه هر چه بیشتر به انزوای حکومت اسلامی در سطح نزد افکار عمومی مردم جهان، نهادهای بین المللی و در میان سران کشورها نیز منجر شده است. امر خواست **بایکوت سیاسی** حکومت اسلامی -نه بایکوت اقتصادی آن، که دودش به چشم مردم مزدبگیر و فقیر می رود- بستن سفارتخانه ها و کنسولگری های این حکومت که عمدتاً مراکز **ترور و جاسوسی** علیه اپوزیسیون هستند بیش از هر زمان دیگری از تاریخ نکبت بار سی ساله این حکومت، مطرح و امکان پذیر است. در این راستا نیروهای سیاسی اپوزیسیون جدی و واقعی حکومت اسلامی موظفند اقدامات جدی تر و مؤثری تری را در دستور فعالیت های خود قرار دهند و دچار آکسیونیسیم صرف نشوند. مردمی هم که به ایران رفت و آمد می کنند نباید نگران کارهای اداری خود با بسته شدن احتمالی سفارت خانه های حکومت اسلامی شوند. زیرا کارهای اداری و سفر و غیره در کشورهای مختلف را می توان به یک دفاتر صرفاً اداری و مصلحت گذاری واگذار کرد تا کارهای اداری شهروندان ایرانی و غیرایرانی را انجام دهند.

اکنون که **جنبش شکوهمند** مردم ایران، در نخستین گامهای خود فضای **اختناق** را شکسته و حکومت اسلامی را رسواتر کرده است، در تداوم این مبارزات و گسترش و هم چنین اشکال آن در شرایط کنونی حاکمیت که تمامی نیروهای سرکوبگر خود را وارد صحنه کرده است، باید به فکر سازمان دهی و تدابیر ویژه ای بود. از جمله **خودسازمان یابی** گروه های مردمی مثلاً متشکل شدن آنها در شوراهای محلات و سازمان دهی مبارزات محلی و مقطعی با هدف پراکنده کردن نیروهای **سرکوبگر** و فرسوده کردن آنها به عنوان یک تاکتیک مدنظر قرار گیرد. باید در همه محیط های کار و زیست به فکر تشکل بود و آنجاها را به مراکز و هسته های مبارزاتی تبدیل کرد؛ و پیرامون مطالبات و خواست های عمومی و ملموس اکثریت مردم، هم چون آزادی همه زندانیان سیاسی، لغو **شکنجه** و **اعدام**، برچیدن بساط سانسور و اختناق، برچیدن **آپارتاید جنسی**، تأمین زندگی همه کودکان فقر و کار و خیابانی، پرداخت بیمه بیکاری مکفی به همه بی کاران کشور، خروج همه نیروهای **سرکوبگر** و حراست از

لحاظ طبقاتی نه صرفاً سازمانی، اهداف کاملاً متفاوتی را دنبال می کنند به هم ریخته شود و چپ و راست جامعه معلوم نگردد.

حال اگر در شرایط کنونی ایران که **اختناق** و **سرکوب** هنوز اجازه نمی دهد در تظاهرات خیابانی این صف ها جدا شوند اما در خارج کشور، هیچ لزومی ندارد که این صف ها را به لحاظ فیزیکی در کنار هم قرار گیرند و **کیفیت مبارزه** را قربانی کمیت کنند. هر چند که کمیت مهم است و باید تبلیغات بیش تری بر روز آن گذاشت. بدین ترتیب، طبیعی است که صف طبقات اصلی جامعه در داخل و خارج کشور، از هم جدا باشد تا توهم برانگیز نشود.

در هر صورت طبقات نیروهای تاریخی هستند که با منازعات و کشمکش های خود تاریخ را پیش می برند. معیار تقسیم طبقات نه میزان درآمد، یا شیوه **توزیع و مصرف**، بلکه اساساً رابطه با ابزارهای تولید و رابطه کار و سرمایه است. روابط تولید و مصرف خود توسط روابط تولیدی تعیین می گردند. مالکیت وسایل ابزارهای تولید، **معیار اصلی** طبقات نیز است. مهمتر از همه وجود طبقات منازعه و کشمکش طبقات را در بطن خود دارد. بنابراین، طبقات و اختلاف آنها نه صرفاً اقتصادی، بلکه **اختلاف سیاسی** است و بر این اساس، کشمکش بین آنها نیز یک کشمکش دایمی سیاسی است. موضوع اصلی همه کنش و واکنشهای سیاسی، تعیین روابط کلی است. مبارزات سیاسی عمدتاً میان طبقات اصلی جامعه پیش می آید و تا تعیین تکلیف نهایی جریان می یابد. از همین رو، آن بخش از شخصیت ها و گروه هایی که به تضادها، سیاست ها، اهداف **تاکتیکی** و **استراتژیکی** طبقات اصلی جامعه بر سر اقتصاد، سیاست، جامعه و فرهنگ توجهی ندارند همواره دچار نوسانات و تناقضات سیاسی و اجتماعی می شوند. پس توجه و تحلیل روابط و مناسبات طبقات در جامعه، دارای اهمیت سیاسی به ویژه در دوره هایی مهم تر است که تحولات تاریخی سرنوشت سازی در پیش است. مبارزه طبقاتی دارای تحولات سیاسی و **سرنوشت تاریخی** متفاوتی است. از این رو، مهم ترین مسایل و مناقشات اجتماعی، محتوای و مضمون طبقاتی را تعیین می کنند. عموماً طبقات اجتماعی براساس منافع مادی خود، به مبارزه سیاسی روی می آورند و رفتارهای سیاسی آنها و هم چنین علایق و **منافع طبقاتی** آنها نیز بسیار نیز متفاوت است، به همین دلیل به هیچ عذر و بهانه ای نمی توان طبقه کارگر و سرمایه دار و یا طرفداران آن ها را در یک صف قرار داد. چنین تفکری اگر **ریاکاری** به دنبال نداشته

آرزو پا به عرصه بازار سهام گذاشت تا **تحولات عظیمی** را در این بازار رقم زند، اما نه تنها به آرزوهای امیدوارانه خود نرسید، بلکه شرایط نامناسبی را برای سهامداران خود رقم زد تا لقب جوجه اردک زشت بورس را با خود یدک بکشد. در عین حال، شرکتهای گروه لوازم خانگی، سیمانی ها، گروه نساجی، شرکت های پتروشیمی و تولیدکنندگان مواد غذایی نیز تعریف چندانی ندارند و بسیاری از این شرکت ها به دلایلی مانند **عدم پرداخت مطالبات** معوقه واردات بی رویه، سیاست های نادرست دولت به همراه تصمیم گیری های نامناسب و نفوذ سلطان های کالایی با مشکلاتی عدیده مواجه شده اند. اما وجود دارند شرکت هایی مانند صدرا که اطلاعات نادرستی را به بازار منعکس می کنند یا ایرالکو که بندهای حساس را به سهامداران اطلاع نمی دهد یا **فولاد خوزستان** که اجازه نفس کشیدن در هیئت مدیره را هم به سهامدار حقیقی خود نمی دهد. **بحران مالی جهانی** پیش آمده و افت قیمت محصولات معدنی و فولادی نیز روزگار تیره ای را برای فعالان این صنعت رقم زده است. میان شرکت های کوچکی مانند پرمیت، پارس پامچال، پارس متال، بسته بندی پارس و سموم علف کش که از ابتدای سال ۸۷ تاکنون بازدهی های منفی بالای ۷۰ درصدی را برای سهامداران خود به ارمغان آورده اند، شرکت هایی مانند **آلومینیوم ایران** و **ایران خودرو** در آستانه ورشکستگی قرار گرفته اند و سهامداران خود را نیز همراه کرده اند. صنعتی دریایی ایران نیز که از ابتدای حضور خود در بازار سهام همواره از خبرسازهای بورس بوده است، این روزها داد سهامداران خرد و عمده خود را درآورده است و عدم پاسخگویی مدیران شرکت به شرایط پیش آمده داغ سنگینی را بر دل سهامدارانی که روزی با هزاران امید هر سهم این شرکت را با مبلغ ۲۴۰۰ تومان خریداری کرده اند، گذاشته است.

صنعتی دریایی ایران (صدرا)

نخستین خصوصی سازی بزرگی که یکی از تلخ ترین خاطرات بازار سهام را رقم زد، **واگذاری صدرا** بود. امسال هم پس از برگزاری مجمع سالانه این شرکت سودی را میان سهامداران خود تقسیم نکرد تا کام تلخ شان، طعم شیرینی را نچشد. در این بین سهامداران این شرکت خواستار رسیدگی به حقوق از دست رفته خود و همچنین **محاکمه مدیران سابق** این شرکت هستند. البته پرونده تخلف این شرکت به دلیل عدم رعایت مقررات مربوط به افشای اطلاعات در کمیته **تخلفات سازمان بورس** و **اوراق بهادار** مفتوح است و صدرا تنها یک ماه فرصت دارد که درخواست تجدید نظر کند. بسیاری از مسئولان خصوصی شدن

دانشگاه ها و دیگر مراکز عمومی، جمع کردن همه نیروهای سرکوبگر از خیابان ها، آزادی بیان، قلم، اندیشه و تشکل، آزادی تجمعات و اعتصاب، معرفی و **محاکمه علنی** همه عاملین سرکوب و کشتار مردم و غیره بسیج نیرو کرد.

مسئلاً، در آغاز هر تحول سیاسی و اجتماعی، **اعتراض کارگران** پراکنده است و بر علیه کل سیستم سرمایه داری و حکومت حامی آن صورت می گیرد. اما کارگران به تدریج تشکل های خود را به وجود می آورند و در **مبارزه طبقاتی** آگاه تر و فعال تر می گردند و بخش صنعتی و آگاه تر رهبری طبقه را به عهده می گیرد. بر اساس این روند، **شرایط انقلابی** فراهم می گردد و روزبروز صف بندی های طبقاتی طبقه کارگر با طبقه سرمایه دار و دولت آنها حادثر و شدیدتر می شود. بنابراین، امر انقلاب و تحولات بنیادی و سرنوشت ساز اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیازمند تشکل های دموکراتیک کارگران، زنان، دانشجویان، نویسندگان، روزنامه نگاران، وبلاگ نویسان، هنرمندان و به طور کلی **مردم تحت ستم** و آزادی خواه است؛ در چنین شرایطی، همه فعالین جنبش های اجتماعی و در پشاپیش همه فعالین جنبش کارگری به امر تشکل یابی و همبستگی طبقاتی خود و بسیج مردم به طور عاجل نگاه می کنند تا جامعه فرصت های تاریخی پیش آمده را از دست ندهد. اساساً تحولات جدی انقلابی، در گرو تشکل و فعالیت متحد و متشکل و هدفمند در جهت **سرنوشتی سیستم سرمایه داری** است.

ورشکستگی صنایع دریایی و آلومینیوم پس از ایران خودرو

روزنامه اعتماد: **حساب سازی** و دستکاری در صورت های مالی موضوعی است که سهامداران را این روزها به خود مشغول کرده است؛ سهامدارانی که با برنامه های کوتاه یا بلندمدت اقدام به خرید سهام شرکتی مانند **ایرالکو** کرده اند و پس از حضور در شرکت متوجه شده اند تمام شنیده های گذشته آنها مانند رویایی بر باد رفته است و حنای خصوصی سازی دیگر برای آنها رنگی ندارد. به علاوه با مشاهده اتفاقات شرکت **فولاد خوزستان** و مشکلات پیش آمده برای شرکت هایی که چند صباحی از حضورشان در بازار می گذرد، نمی توان انتظار داشت سرمایه گذاران از عرضه های عمده و اولیه استقبال کنند. **صدرا** نیز یکی دیگر از شرکت هایی است که سهامداران خود را به درون این گرداب کشیده است؛ صدرايي که در سال ۸۲ با هزاران امید و

گیری در زمینه تیم ورزشی ایرالکو هستند. به طوری که تلاشهای مسئولان و سهامداران عمده برای تعطیلی این تیم راه به جایی نبرد و در ازای تلاش های بیشتر برای حذف این هزینه، از جانب مقامات محلی تهدید به بازپس گیری شرکت از این بخش شدند. در این شرایط انتظار می رود دولت حمایت های خود را از این شرکت تازه خارج شده از آغوش مادر قطع نکرده و با وضع سیاست هایی به نجات ایرالکو بیاید به طوری که در این بین وضع تعرفه های وارداتی برای آلومینیوم، اعطای فرصت بیشتر برای بازپرداخت اقساط و غیره عامل مهمی برای خروج از وضعیت فعلی شرکت به شمار می رود. اما در غیراین صورت باید منتظر تعطیلی زود هنگام این شرکت بود.

ایران خودرو

« جنرال موتورز اعلام ورشکستگی کرد. » این جمله ای بود که چندی پیش همزمان با بروز بحران جهانی به مهم ترین خبر جهان تبدیل شد. شرکتی خودرویی که با وجود تلاش های فراوان سرانجام نتوانست خود را سرپا نگه دارد. اما در مقابل شاهدیم که این روزها خبر ورشکستگی ایران خودرو در هر مجلسی مطرح می شود و با وجود دلایل واضح، شرکت ایران خودرو آن را انکار می کند؛ انکاری که در صورت های مالی شرکت به گونه ای دیگر رخ نمایانده است. این شرکت برای هر سهم خود ۴۰ تومان زیان را پیش بینی کرده است و قصد دارد از محل فروش سهام و سایر دارایی هایش به شیوه ای غیر از فروش تولیدات خود، درآمد کسب کند. زیانده بودن سایت های خارجی این شرکت به رغم تبلیغات گسترده در این زمینه مهم ترین عامل انباشت هزینه های شرکت است، هر چند ایران خودرو معتقد است سایت های داخلی شرکت سودده بوده و بررسی در مورد زیانده بودن سایت های خارجی هنوز به نتیجه قطعی نرسیده است. تغییرات گسترده در ایران خودرو و تلاش مدیران شرکت به منظور خروج از منجلاب فعلی کار را به قراردادی کشاند که بین ایران خودرو و شرکت خودران وفا به ارزش ۳۷۰ میلیارد تومان منعقد شد تا از این پس محصولات ایران خودرو به صورت لیزینگ از طریق این شرکت به فروش برسد.

براساس ماده ۱۴۱ قانون تجارت، چنانچه زیان انباشته شرکت بیش از ۵۰ درصد سرمایه ثبت شده باشد، شرکت ورشکسته است. حال نکته اینجا است که ایران خودرو تقریباً ۹ برابر سرمایه ثبتی خود به بانک ها بدهکار است، با این منطقی که ما به ازای این زیان دارایی دارد و مبلغ یادشده زیان انباشته است نه بدهی، خود را ورشکسته نمی داند. ایران خودرو در سال

صدرا، عدم وجود پروژه های هنگفت را دلیل اوضاع نابسامان این شرکت اعلام کردند اما سردار رستم قاسمی که به نمایندگی از قرارگاه خاتم الانبیا در مجمع شرکت حضور داشت، دلیل شرایط فعلی صدرا را مدیران شرکت دانست نه عدم وجود پروژه. در این بین حسابرس شرکت هم بی تقصیر نیست. هرچند حسابرس معتقد است گزارش کامل حسابرسی را به همراه یادداشت ها به مدیر وقت شرکت تحویل داده اما شرکت از ارائه آنها به بورس خودداری کرده است.

آلومینیوم ایران (ایرالکو)

زیان در کارخانه آلومینیوم ایران به جایی رسیده است که هیئت دولت براساس مصوبه ای دستور تعطیلی خطوط قدیمی واحد احیای کارخانه آلومینیوم ایران را ظرف چهار ماه آینده صادر کرد. این در حالی است که پس از واگذاری بخشی از سهام کارخانه آلومینیوم ایران در بورس، مشکلات افزایش یافت. از یک سو مدیریت شرکت به طور کامل به بخش دولتی واگذار نشد و از سوی دیگر دولت خود را مالک این کارخانه نمی دانست، به طوری که معاون معدنی وزیر صنایع درباره مشکلات و زیانده بودن ایرالکو گفته این کارخانه به بخش خصوصی واگذار شده و خود باید بتواند مشکلاتش را مدیریت کند. البته در صورت اعلام نیاز وزارت صنایع به این شرکت کمک خواهد کرد. این در حالی است که کاهش ۵۰ درصدی قیمت فلزات در بازارهای جهانی، اختلاف قیمت میان آلومینیوم تولیدی و فروشی و بروز رکود و بحران مالی در جهان، بر مشکلات ایرالکو افزوده شد. این میزان زیان و نزدیکی شرکت به زمان ورشکستگی در حالی است که پیش از عرضه سهام این شرکت مشمول اصل ۴۴، سود هر سهم شرکت برای سال ۸۶ معادل ۳۰۰ تومان و برای سال گذشته ۴۰۰ تومان پیش بینی شده بود که هیچ سنخیتی با زیان فعلی ندارد. این روند در سود و زیان پیش بینی شده شرکت، این شبهه را ایجاد می کند که سازمان خصوصی سازی و بورس در عرضه سهام این شرکت شفاف عمل نکردند و واقعیت به بازار منعکس نشده است به طوری که سهامداران ایرالکو سال گذشته نه تنها سود ۴۰۰ تومانی را دریافت نکردند، بلکه زیان ۳۴۰ تومانی را در پرونده دارایی های خود ثبت کردند.

پیش بینی زیان ۸۰ تا ۱۰۰ میلیارد تومانی و تیم فوتبال شرکت نیز داستان خود را دارد. سال گذشته تیم فوتبال به تنهایی پنج میلیارد تومان هزینه را بر گردن شرکت زیانده ایرالکو گذاشته است. البته مسئولان این شرکت نیز قدرتی در مقابل تیم نداشته و گویا مراجعی غیر از مدیران شرکت، مسئول تصمیم

تن افزایش یافته است. همان گونه که مشاهده می شود بیشترین نرخ رشد واردات در مورد محصولات صنایع غذایی اتفاق افتاده و واردات این محصولات در سال ۱۳۸۵ نزدیک به سه برابر افزایش یافته است. بر اساس گزارش گروه تحقیقات بازار در همین فاصله ارزش **واردات مواد خام** کشاورزی با نرخ رشد ۲۴/۱۷ درصد از دو میلیارد و ۳۶۹ میلیون دلار به دو میلیارد و ۹۴۱ میلیون دلار **افزایش** یافته است.

ضمن اینکه طی همین دوره ارزش **واردات محصولات صنایع غذایی** با نرخ رشد ۱۱۵ درصد از ۸۷۰ میلیون دلار به یک میلیارد و ۸۷۱ میلیون دلار **افزایش** یافته است. صادرات مواد خام کشاورزی نیز در این فاصله با نرخ رشد ۵/۹۶ درصد از یک میلیون و ۸۹۳ هزار تن به دو میلیون و شش هزار تن و ارزش آن از دو میلیارد و ۷۵۸ میلیون دلار به دو میلیارد و ۱۹۸ میلیون دلار (۲۰/۳۱- درصد) **تنزل** یافته است. در حالی صادرات محصولات صنایع غذایی با نرخ رشد یک درصد از ۷۸۱ هزار تن به ۷۹۰ هزار تن و ارزش آن از ۴۳۶ میلیون دلار به ۴۹۲ میلیون دلار (۱۳ درصد) **افزایش** یافته که نشان دهنده روند نه چندان مطلوب صادرات محصولات صنایع غذایی است.

چنین روندی باعث شده **ارزش خالص** صادرات مواد خام کشاورزی از ۳۹۰ میلیون دلار به ۷۴۳ - میلیون دلار و خالص صادرات محصولات صنایع تبدیلی از ۴۳۴- به ۱۳۷۹ میلیون دلار **تنزل** پیدا کند.

تجارت مواد غذایی و کشاورزی در سال ۱۳۸۶ بیانگر **کاهش واردات و افزایش صادرات** نسبت به سال قبل است. در سال ۱۳۸۶ واردات مواد غذایی و کشاورزی با نرخ رشد ۱۵/۹۲- درصد به ۱۰ میلیون و ۷۷۲ هزار تن **تنزل** یافته و ارزش آن با افزایش ۸/۹۹ درصدی به پنج میلیارد و ۲۴۵ میلیون دلار **افزایش** یافته است.

در این سال صادرات با نرخ رشد ۳۴/۶۶ درصد به سه میلیون و ۷۶۵ هزار تن و ارزش آن با نرخ ۲۱/۳۸ درصد به سه میلیارد و ۲۶۵ میلیون دلار **افزایش** یافت. خالص صادرات نیز با اندکی بهبود نسبت به سال قبل به ۱۹۸۰- کاهش یافته است. **تجارت محصولات خام کشاورزی** در سال ۸۶ نشان می دهد در این سال واردات این محصولات با نرخ رشد ۱۰/۸۹- درصد به هشت میلیون و ۷۴ هزار تن **تنزل** یافته، در حالی که ارزش واردات با نرخ رشد ۲۷/۵۷ درصد به سه میلیارد و ۷۵۲ میلیون دلار **افزایش** یافته است.

گذشته نیز اوضاع بهتری را تجربه نکرد به طوری که در سال مالی ۸۷ با زبانی معادل ۱۷۷ میلیارد تومان مواجه بود. عمده ترین دلیل این زیان **تعدیلات نوسانی** شرکت اعلام شد که بالغ بر ۳۷۰ میلیارد تومان است، اما از آنجا که در سال های گذشته این ذخیره محاسبه نشده است، **بزرگ ترین خودروساز** خاورمیانه را پس از **۴۵ سال** فعالیت در موقعیت بدی قرار داد. به هر حال نکته این است که ایران خودرو با مشکل مواجه شده است و این مشکل به راحتی قابل حل نیست. به طوری که سال ها است کارشناسان فریاد می زنند تا زمانی که دولت دست از سر خودروسازان برندارد، اوضاع این شرکت ها به همین روال خواهد بود.

سبقت چهار برابری واردات از صادرات محصولات غذایی

روزنامه سرمایه : طی سال های ۱۳۸۴ تا پایان مهرماه سال ۱۳۸۷ در مجموع ۱۴ میلیون و ۷۳۳ هزار تن مواد غذایی (محصولات فرآوری شده در صنایع تبدیلی) به ارزش چهار میلیارد و ۹۳۶ میلیون دلار **وارد** کشور شد که در مقایسه با صادرات این محصولات در مدت مورد اشاره برتری **چهار برابری** واردات مشاهده می شود. طبق ترانزنامه بانک مرکزی و سالنامه آماری واردات و صادرات در این مدت در مجموع دو میلیون و ۸۳۰ هزار تن مواد غذایی به ارزش یک میلیارد و ۷۹۰ میلیون دلار صادر شده است. به گزارش «سرمایه» **واردات کشاورزی و مواد غذایی** با نرخ رشد مثبت ۴۷/۲۳ درصد از هشت میلیون و ۷۰۲ هزار تن در سال ۸۴ به ۱۲ میلیون و ۸۱۱ هزار تن در سال ۸۵ رسیده است. در این مدت **صادرات مواد غذایی** و کشاورزی با نرخ رشد وزنی ۴/۵۸ درصد از دو میلیون و ۶۷۴ هزار تن به دو میلیون و ۷۹۶ هزار تن رسیده و ارزش صادرات نیز با نرخ رشد ۱۵/۷۸- درصد از سه میلیارد و ۱۹۴ میلیون دلار به دو میلیارد و ۶۹۰ میلیون دلار **تنزل** یافته است. واکاوی این وضعیت نشان می دهد افزایش میزان واردات هم در محصولات کشاورزی و هم در محصولات صنایع غذایی اتفاق افتاده است. به گونه ای که واردات **مواد خام کشاورزی** در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۸۴ با نرخ رشد ۲۲/۵۲ درصد از هفت میلیون و ۳۹۵ هزار تن به ۹ میلیون و ۶۰ هزار تن و واردات محصولات صنایع غذایی با نرخ رشد ۱۸۷ درصد از یک میلیون و ۳۰۷ هزار تن به سه میلیون و ۷۵۱ هزار

خبرها

دوشنبه، ۱۲ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۳ اوت ۲۰۰۹

اعتراضات مردم تهران به نقاط مختلف گسترش یافت

فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران بنابه گزارشات رسیده از تهران، مردم و جوانان در نقاط مرکزی تهران دست به اعتراض زده اند و اعتراضات را به سایر نقاط گسترش دادند.

در حال حاضر مردم تهران و جوانان دختر و پسر در نقاط مختلف تهران اعتراضات خود را ادامه میدهند و دامنه این اعتراضات به نقاط دیگر تهران کشیده شده است. اعتراضات در میدان هفت تیر، میدان ولی عصر، میدان ونک، میدان انقلاب و میدان فاطمی ادامه دارد.

از لحظاتی پیش در میدان هفت تیر بسوی شریعتی گروههایی از مردم به هم پیوستند و اقدام به راه پیمائی کردند. آنها در حال دادن شعارهایی علیه خامنه ای و احمدی نژاد هستند. شعارهایی که داده می شود عبارتند از: خامنه ای قاتله، ولایتش باطله/مرگ بر خامنه ی/ مجتبی بمیری رهبری را نبینی/ مرگ بر دیکتاتور/ دولت کودتا استعفا استعفا همچنین در حوالی پارک ساعی تعدادی از مردم اقدام به تجمع و دادن شعار نمودند. آنها شعارهایی مانند مرگ بر دیکتاتور/ دولت کودتا استعفا استعفا می دادند که با شلیک گاز اشک آور نیروهای سرکوبگر علی خامنه ای مواجه شدند.

مردم در میدان ولی عصر به سوی زرتشت تجمع کرده اند و یکدست صدای مرگ بر دیکتاتور می دهند علیرغم یورش وحشیانه گله های موتور سوار لباس شخصی آنها همچنان به اعتراضات خود ادامه می دهند.

تا لحظه انتشار این گزارش اعتراضات مردم بصورت گروههای چند نفره آغاز می شود تا آرایش نیروهای سرکوبگر را به هم بزنند و زمینه را بر ای اعتراضات گسترده آماه نمایند. اعتراضات این گروهها در نقاط مختلف ادامه دارد.

نیروهای سرکوبگر گارد ویژه، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصیها که بدستور علی خامنه ای وحشیانه به مردم یورش می برند و آنها را آماج باتون های خود قرار می دهند. نیروهای لباس شخصی بصورت ۲ نفره سوار بر موتور و بصورت گله های ۱۰ الی ۱۵ موتوره با در دست داشتن باتون به سوی

این وضعیت نشان می دهد به رغم کاهش وزنی واردات اما ارزش واردات نسبت به سال قبل افزایش یافته که بخش عمده ای از آن به خاطر افزایش قیمت های جهانی است. در همین مدت یعنی در سال ۱۳۸۶ نسبت به سال قبل از آن صادرات مواد خام کشاورزی با نرخ رشد ۴۴/۷۲ به دو میلیون و ۹۰۳ هزار تن و ارزش آن با نرخ رشد ۲۲/۶۱ درصد به دو میلیارد و ۶۹۵ میلیون دلار افزایش یافته است. با این وجود تراز تجاری بخش منفی تر شده و در سال ۱۳۸۶ به ۱۰۵۷- میلیون دلار رسیده است. در این سال واردات محصولات صنایع تبدیلی نیز نشان می دهد واردات با نرخ رشد ۲۸- درصد به دو میلیون و ۶۹۸ هزار تن و ارزش آن با نرخ ۲۰- درصد به یک میلیارد و ۴۹۳ میلیون دلار تنزل یافته است. ضمن اینکه صادرات آن با نرخ ۹ درصد به ۸۶۲ هزار تن و ارزش آن با نرخ ۱۶ درصد به ۵۷۰ میلیون دلار افزایش یافته است. از این رو خالص صادرات این محصول اندکی بهبود یافته و به ۹۲۳- میلیون دلار رسیده است. اما در شش ماهه سال ۱۳۸۷ مقدار واردات مواد غذایی و کشاورزی به ۱۳ میلیون و ۳۳۵ هزار تن یعنی بیش از کل واردات سال قبل از آن به ارزش سه میلیارد و ۲۵۱ میلیون دلار رسیده است، در حالی که مقدار صادرات این محصولات به شش میلیون و ۱۲۱ هزار تن به ارزش یک میلیارد و ۳۳۱ میلیون دلار رسیده است. چنین وضعیتی باعث شده خالص صادرات مواد غذایی و کشاورزی به ۱۹۲۰- میلیون دلار (نزدیک به سال قبل از آن) برسد. تجارت محصولات خام کشاورزی در این مدت زمان نشان می دهد واردات محصولات خام به شش میلیون و ۳۵۸ هزار تن به ارزش دو میلیارد و ۵۶۴ میلیون دلار رسیده است.

در حالی که صادرات این محصولات به پنج میلیون و ۷۲۴ هزار تن به ارزش یک میلیارد و ۳۱ میلیون دلار رسیده است که نشان دهنده خالص صادرات ۱۵۱۸- میلیون دلاری یعنی بیش از سال قبل است. وضعیت صنایع غذایی نیز نشان می دهد واردات این محصولات در شش ماهه نخست سال گذشته به شش میلیون و ۹۷۷ هزار تن به ارزش ۷۰۲ میلیون دلار و صادرات آنها به ۳۹۷ هزار تن به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار رسیده است که نشان دهنده افزایش شدید واردات در مقابل عدم صادرات قابل قبول است. این وضعیت منجر به تراز ۴۰۲- میلیون دلاری در این مدت برای محصولات غذایی شده است. همان طور که مشاهده می شود میزان واردات مواد غذایی و کشاورزی در شش ماهه سال ۱۳۸۷ از کل سال ۱۳۸۶ فراتر رفته و ۲۴ درصد بیش از کل واردات سال ۱۳۸۶ است و در این میان واردات محصولات صنایع غذایی رشد شدیدی را تجربه کرده و نزدیک به ۶۰ درصد از کل واردات سال ۱۳۸۶ بیشتر است.

با کسری ۶ هزار میلیارد تومان روبه‌روست که ۳ هزار میلیارد تومان از این میزان مربوط به پاداش بازنشستگی فرهنگیان است. یک ماه بعد از آن یعنی در مرداد ماه سال گذشته وزیر آموزش و پرورش نیز کسری بودجه آموزش و پرورش را ۶ هزار و ۷۵۰ میلیارد تومان عنوان کرد.

مرکز پژوهش‌های مجلس آبان ماه همان سال با انتشار گزارشی تحت عنوان بحران منابع مالی در آموزش و پرورش، کسری ۶۷۰۰ میلیارد تومانی بودجه این وزارتخانه در سال ۸۷ را تایید کرد.

ضیاءالله اعزازی نماینده بناب در مجلس و عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در هنگام بررسی بودجه ۸۸ در اواخر بهمن سال گذشته گفته بود: برای اولین بار در طول ۳۰ سال گذشته ۷۰ درصد کسری پایه بودجه آموزش و پرورش حل می‌شود.

بنا بر اظهار وی کسری پایه بودجه آموزش و پرورش با اختصاص یک هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان در بودجه سال ۱۳۸۸ جبران می‌شود. وی یادآور شده بود: بودجه آموزش و پرورش هر سال با کسری مواجه می‌شد به طوری که در سال ۸۷ آموزش و پرورش با شش هزار میلیارد تومان کسری روبه‌رو شد.

بودجه وزارت آموزش و پرورش در سال ۸۸، ۹۰ هزار میلیارد تومان است که با توجه به گفته‌های دلخوش به نظر می‌رسد این وزارتخانه در چهارماهه اول سال بالغ بر ۷۸ درصد کسری داشته باشد در عین حال معلوم نیست چرا علی احمدی اعلام کرده که کسری بودجه آموزش و پرورش را حل کرده و به جهنم که این امر باعث تورم می‌شود.

سه شنبه، ۱۳ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۴ اوت ۲۰۰۹

تحریم بنزین علیه جمهوری اسلامی قوت می‌گیرد

راديو آلمان: در صورتی که جمهوری اسلامی از پیشنهاد مذاکره غرب بر سر برنامه اتمی سر باز زند، دولت آمریکا می‌خواهد تحریم‌ها را به صادرات بنزین و فرآورده‌های نفتی علیه رژیم تهران گسترش دهد.

بر اساس یک گزارش روزنامه «نیویورک تایمز»، کاخ سفید هم اکنون در حال رایزنی با هم‌پیمانان اروپایی و اعضای کنگره آمریکا، پیرامون امکان اجرای تحریم‌های شدیدتر علیه

جمعیت یورش می‌برند و آنها را بشدت مورد ضرب و جرح قرار می‌دهند. حوالی ساعت ۱۹:۴۵ در اثر ضربات وحشیانه باتون که بر سر و صورت و گردن آنها فرود می‌آمد حداقل ۴ نفر زخمی بر جای گذاشته است.

۱۲ مرداد ۱۳۸۸ برابر با ۳ اگوست ۲۰۰۹

سه شنبه، ۱۳ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۴ اوت ۲۰۰۹

کسری بودجه ۷ هزار میلیاردی آموزش و پرورش

نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس از کسری ۷ هزار میلیارد تومانی آموزش و پرورش طی چند ماه اخیر خبر داد. کاظم دلخوش در گفتگو با سرویس اقتصادی «فردا» با بیان مطلب بالا گفت: غیر از آموزش و پرورش دستگاه‌های دیگری هم اکنون با کسری مواجه هستند.

مخبر کمیسیون ویژه طرح تحول اقتصادی، با اشاره به علت کسری بودجه در سال‌های اخیر افزود: پیش‌بینی‌های غیر واقعی از بودجه دستگاه‌ها باعث می‌شود دولت در هنگام اجرای بودجه دچار کسری شود.

وی همچنین گفت وقتی دولت با تزریق نقدینگی در برخی شهرها نرخ سرمایه‌گذاری را تا ۲۰۰۰ درصد افزایش می‌دهد بخشی از این نقدینگی به بخش خیر مولد جامعه منتقل می‌شود و نرخ تورم را افزایش می‌دهد.

دلخوش که نرخ تورم سال گذشته را ۲۷ تا ۲۸ درصد ذکر دانست، افزود: نقدینگی و تورم بالا در جامعه یکی دیگر از علل اصلی کسری بودجه در کشور است.

به گزارش فردا، وزیر آموزش و پرورش در خردادماه امسال قبل از انتخابات ریاست جمهوری دهم در یکی از نشست‌های خبری خود گفته بود: با توجه به قانون مدیریت خدمات از ۸۸/۱/۱ حقوق معلمان به طور متوسط ۶۴۵ هزار تومان شده که مفهوم آن این است که در این دولت حقوق و مزایای کارکنان آموزش و پرورش سه برابر قبل شده است. علی احمدی افزوده بود که کسری بودجه آموزش و پرورش را حل کردم به جهنم که باعث تورم می‌شود.

تیرماه سال پیش رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس نیز در گفتگو با فارس گفته بود: انباشتی از کسری اعتبار از سال ۸۵، ۸۶ و ۸۷ داریم. یعنی در سال ۸۷، آموزش و پرورش

میدان بهارستان و خیابانهای اطراف در اشغال نیروهای سرکوبگر

فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران
میدان بهارستان و تعدادی از خیابانهای اطراف در اشغال
نیروههای سرکوبگر بنابه گزارشات رسیده از میدان بهارستان، از
صبح امروز مردم از نقاط مختلف بسوی میدان بهارستان در حال
حرکت هستند نیروهای سرکوبگر از خیابان ناصر خسرو تا میدان
بهارستان را در اشغال خود دارند.

از صبح امروز مردم تهران از نقاط مختلف بسوی میدان
بهرستان در حرکت هستند و در حال حاضر تعداد زیادی از مردم
در آنجا حضور دارند و هر لحظه بر تعداد آنها افزوده می شود.
مردم خود را برای یک اعتراض گسترده آماده می کنند. نیروهای
سرکوبگر از توقف مردم جلوگیری می کنند و در صورت اعتراض
با باتون به آنها حمله می کنند.

همچنین از صبح امروز برای جلوگیری از حضور مردم در
میدان بهارستان ایستگاه مترو ملت - بهارستان را مسدود کردند
و مترو در آنجا توقف نمی کند. همچنین در مسیرهای خطوط
اتوبوس رانی در نقاط مختلف تهران که به میدان بهارستان ختم
می شود را مختل کرده اند و مسیر اتوبوسها انقلاب - بهارستان و
آزادی - بهارستان را متوقف کرده اند.

نیروههای سرکوبگر؛ گارد ویژه، سپاه پاسداران، نیروهای
انتظامی، بسیج و لباس شخصیها بصورت انبوهی در خیابانها و
میدان بهارستان حضور دارند. میدان بهارستان در اشغال نیروهای
سرکوبگر تحت امر ولی فقیه علی خامنه ای می باشد. نیروهای
سرکوبگر همچنین در خیابان ناصرخسرو تا میدان بهارستان
مستقر شده اند. آنها با انواع خودروهای خود که مملو از
نیروهاست و همچنین نیروی گارد ویژه موتور سوار آماده یورش
به مردم هستند.

همچنین ۲ ماشین آتش نشانی در ضلع شرقی و ضلع
شمالی مستقر شده اند.

۱۴ مرداد ۱۳۸۸ برابر با ۰۵ اگوست ۲۰۰۹

جمهوری اسلامی است. از جمله این اقدامات باید از تحریم
صادرات بنزین و فرآوردههای نفتی نام برد.

کشورهای صنعتی غربی در نشست گروه ۸ در ایتالیا که
در ماه ژوئیه برگزار شد، تا ماه سپتامبر به جمهوری اسلامی
مهلت دادند، در مورد دور جدید گفتوگوها دربارهی مناقشه‌ی
اتمی واکنش نشان دهد.
در گزارش «نیویورک تایمز» آمده که اوپاما می‌تواند در
مجلس سنای این کشور روی رأی ۷۱ نفر از ۱۰۰ نماینده حساب
کند.

سه شنبه، ۱۳ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۴ اوت ۲۰۰۹

رژیم در یک اقدام جنایتکارانه ۲۴ نفر را دسته جمعی اعدام کرد

اینگونه اعدامهای دسته جمعی به منظور ایجاد فضای
رعب و وحشت در جامعه صورت می گیرد و بیانگر نیاز شدید
سران جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی به مقابله با فضای انفجاری
جامعه و اعتراضات فزاینده مردمی است.

سایت حکومتی برنا نزدیک به باند پاسدار احمدی نژاد:
۲۴ قاچاقچی بین المللی مواد مخدر صبح پنجشنبه در محوطه
زندان رجایی شهر کرج اعدام شدند.

محمود سالار کیا معاون دادستان تهران در امور زندانها در
گفت و گو اختصاصی با خبرنگار اجتماعی برنا با تأیید اجرای حکم
اعدام ۲۴ قاچاقچی بین المللی مواد مخدر در هفته گذشته گفت:
روز پنجشنبه ۲۴ قاچاقچی بین المللی موادمخدر در زندان
رجایی شهر کرج به دار مجازات آویخته شدند. وی افزود: این
افراد که حکم اعدام آنها توسط دیوان عالی کشور تأیید شده بود
در ردیف اعدامی ها قرار گرفتند اما پرونده این افراد در مرحله
عفو و بخشودگی توسط کمیسیونهای مختلف بخشودگی مورد
بررسی قرار گرفت و تقاضای این افراد برای بخشش رد شد.
سالار کیا ادامه داد: پس از رد درخواست عفو ۲۴ قاچاقچی بین
المللی مواد مخدر صبح پنجشنبه در محوطه زندان رجایی شهر
کرج به دار مجازات آویخته شدند و فقط یک قاچاقچی مواد
مخدر توانست از کمیسیون عفو مهلت مجدد بگیرد.

تعطیلی تعدادی از مغازه‌ها و حجره‌ها در بازار تهران

سایت موج آزادی: گزارش‌ها از حضور بسیار پر تعداد مردم در محوطه چهارراه گلوبندک تا سبزه میدان و از آنجا تا تقاطع خیابان ناصرخسرو و تعطیلی تعدادی از مغازه‌ها و حجره‌ها در بازار تهران خبر می‌دهد.

گزارش دیگری از دستگیری تعدادی از شهروندان و انتقال آنها به خودروهای ون سفید که برای جمع‌آوری و انتقال بازداشت شدگان در محل حاضر شده، حکایت می‌کند. این گزارش حاکی است در یک مورد، ماموران لباس شخصی چند زن را با ضرب و شتم شدید، از سر انداختن حجاب و کشیدن موی سر آنها بازداشت و به خودروهای مخصوص منتقل کرده‌اند.

پنجشنبه، ۱۵ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۶ اوت ۲۰۰۹

درخواست رسیدگی به جنایات رژیم در شورای امنیت

به گزارش رادیو آلمان، جمعی از فعالان سیاسی ایران در نامه ای به کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، خواستار ارجاع پرونده سیاه جمهوری اسلامی در زمینه نقض حقوق بشر به شورای امنیت و رسیدگی به جنایت رژیم در دادگاه بین المللی کیفری لاهه شدند.

در این نامه آمده است: رژیم جمهوری اسلامی به طور برنامه‌ریزی شده و گسترده حقوق اساسی مردم ایران را نقض کرده است. رژیم جمهوری اسلامی در ایران تبعیض جنسیتی و مذهبی و قومی برقرار کرده، با اندیشه، شادی و زیبایی مخالفت بنیادی دارد، ده‌ها روشنفکر معترض را در داخل و خارج از ایران ترور کرده و بسیاری از مخالفان و دگراندیشان را اعدام کرده است. رژیم جمهوری اسلامی به‌طور سازمان‌یافته مخالفان و منتقدان را بازداشت و در سلول‌های انفرادی سپاه پاسداران، وزرات اطلاعات، نیروی انتظامی، حفاظت اطلاعات قوه قضائیه، سازمان زندان‌ها و بسیج شکنجه می‌کند. حکومت دینی ایران نقض گسترده حقوق همه‌ی اقشار از جمله کارگران، دانشجویان، معلمان، جوانان و هنرمندان و نویسندگان و روزنامه‌نگاران را به اعمال جاری دولت تبدیل کرده است. از نظر ما کارنامه زمامداران جمهوری اسلامی مصداق روشن جنایت علیه بشریت است. از این رو از کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل درخواست می‌کنیم تا پرونده نقض برنامه‌ریزی شده و گسترده‌ی حقوق اساسی مردم

ایران را به شورای امنیت بسپارد. و شورای امنیت نیز باید اعمال سران حکومت جمهوری اسلامی را جنایت علیه بشریت تشخیص داده و پرونده‌ی آنها را جهت بررسی به دادگاه بین‌المللی کیفری لاهه ارجاع دهد. همچنین مقامات جمهوری اسلامی از جمله محمود احمدی‌نژاد که در سرکوب مردم ایران نقش مستقیم داشته‌اند، باید به محض خروج از ایران بازداشت شده و به دست عدالت سپرده شوند.

پیش تر بسیاری از فعالین حقوق بشر در ایران و جهان اعلام کرده بودند، زمان ارجاع پرونده سیاه جمهوری اسلامی در زمینه نقض حقوق بشر به شورای امنیت سازمان ملل متحد فرا رسیده است.

آدینه، ۱۶ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۷ اوت ۲۰۰۹

رهبر طالبان پاکستان بهلاکت رسید

ایلنا: وزیر خارجه پاکستان اعلام کرد که دستگاه‌های اطلاعاتی کشته شدن بیت الله محسود رهبر طالبان پاکستان را تأیید کردند.

به گزارش آسوشیتدپرس، «کفایت الله»، یکی از رهبران طالبان در پاکستان نیز خبر کشته شدن «بیت‌الله محسود» را تأیید کرد.

کفایت الله که معاون بیت الله محسود بود، به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت: «تأیید می‌کنم که بیت‌الله محسود و همسرش در حمله موشکی آمریکا به وزیرستان شمالی کشته شدند.»

محسود برجسته‌ترین رهبر طالبان در پاکستان بود و گروه «تحریک طالبان پاکستان» به رهبری وی دارای هم‌پیمانی در سراسر منطقه قبیله‌ای پاکستان هستند که اخیراً علیه ارتش پاکستان در «دره سوات» دست به مبارزه زده‌اند.

پیش از این اعضای خانواده محسود تأیید کردند که یکی از همسران وی در حمله موشکی هواپیمای بدون سرنشین آمریکایی در وزیرستان جنوبی کشته شده است.

این ناحیه پایگاه محسود است و دولت پاکستان افراد او را مسئول یک رشته بمبگذاری‌های انتحاری در کشور می‌داند.

محسود از رهبران اصلی طالبان است که به گفته مقامات آمریکایی به دیگر اعضای طالبان و همچنین شبکه القاعده در پاکستان پناه می‌دهد.

تاگس اشپیگل: شکنجه و تجاوز در حکومت الهی

راديو آلمان: در اکثر گزارش‌های نشریات بین‌المللی در مورد ایران، به زندان و شکنجه و اعدام توجه ویژه‌ای می‌شود. هفته نامه اکونومیست نوشته است که دیگر اغلب ایرانیان می‌دانند که در زندان‌های رژیم چه می‌گذرد.

روزنامه‌ی آلمانی «تاگس اشپیگل» نیز گزارش تکان‌دهنده‌ای در این مورد انتشار داده که عنوان آن «شکنجه در دولت الهی» است.

گزارش با مشاهدات عینی یکی از زندانیان کهریزک آغاز می‌شود: «دانشجوی ۲۱ ساله را نزدیک دانشگاه تهران دستگیر کردند. هنگامی که دو اتوبوس حامل دستگیرشدگان وارد زندان پلیس در کهریزک شدند، فوراً دهها نگهبان به جان زندانیان افتادند، لباسشان را بر تنشان دریدند، آب بر آنان پاشیدند و شروع به زندنشان با کمر بند و زنجیر کردند.»

دانشجوی دستگیرشده می‌گوید: «دیگر رمقی در بدنمان نماند. آنقدر ضعیف بودیم که نمی‌توانستیم روی پایمان بند شویم.»

تاگس اشپیگل می‌نویسد که این تازه اول ماجرا بوده است. دست‌ها را با قیر مذاب سوزانده‌اند، افراد را از گردن تا آستانه خفگی آویزان کرده‌اند. به عده‌ای هر روز تجاوز کرده‌اند.

دادگاه نمایشی در تهران؛ اعتراض شدید دولت انگلستان

به گزارش خبرگزاری فرانسه از لندن، دولت انگلستان امروز به برپایی دادگاهی در تهران که در آن یکی از کارمندان محلی سفارت انگلستان نیز محاکمه می‌شود، شدیداً اعتراض کرد و آن را غیرقابل قبول و توهین آمیز خواند.

یک سخنگوی وزارت خارجه انگلستان گفت، ما حضور یکی از کارمندان محلی سفارت انگلستان در دادگاه را تأیید نمی‌کنیم و این برخلاف قولی بود که مقامات رژیم تهران به ما داده بودند. آنها بارها به ما قول دادند که این کارمند محلی را محاکمه نخواهند کرد، ولی امروز برخلاف قولی که داده بودند عمل کردند.

این سخنگو گفت دولت انگلستان اینگونه محاکمات و پخش آنچه را که اعترافات زندانیان توصیف شده است را شدیداً محکوم می‌کند.

یک نوجوان ۱۶ ساله را در تظاهرات شیراز کشتند

فعالان حقوق بشر در ایران

خبرگزاری هرانا: آرمان استخریان ۱۶ ساله فرزند احمد، از کشته شده‌گان حوادث پس از انتخابات که در سوم تیرماه بر اثر شدت ضربه‌ی وارده جان خود را از دست داده است.

آرمان استخریان جوان ۱۶ ساله‌ای که در تجمع سوم تیرماه شیراز حضور داشته است. این تجمع به درگیری بین نیروهای بسیج و لباس شخصی با مردم می‌انجامد. در این درگیری استخریان مضروب و به بیمارستان نمازی شیراز منتقل می‌شود. وی در حدود ۱۷ روز در کما بوده و پس از فوت، جسد وی پس از سه روز به صورت مشروط به خانواده تحویل داده شد. در پرونده پزشکی علت فوت تصادف ذکر شده است در حالی که شاهدان عنوان می‌دارند روز واقعه به علت حجم بسیار بالای جمعیت و همین‌طور درگیری‌های جاری اساساً امکان حرکت و حضور اتومبیل در منطقه درگیری وجود نداشته است. وی به همراه یکی از بسته‌گان خود در این تجمع حضور داشته است.

پس از تحویل جسد به خانواده استخریان، نیروهای امنیتی امکان برگزاری هرگونه مراسم را به خانواده نمی‌دهند و این خانواده تحت فشار مجبور می‌شود حتی منزل مسکونی خود را در منطقه فخرآباد شیراز ترک کند، همچنین نیروهای امنیتی تمامی پارچه نوشته‌ها و دسته گل‌های ارسالی را جمع کرده و با خود بردند.

پدر آرمان استخریان از زندانیان سیاسی سابق بوده که در سال‌های گذشته ۱۰ سال در زندان بوده و دو سال پیش از دنیا رفته است.

شدت گرفتن فرار سرمایه از ایران

صدای آمریکا: وال استریت ژورنال زیر عنوان «تهران در تقلاي دفاع از ارزش پول» می‌نویسد اقتصاددانان ایرانی تنزلی

چهارشنبه، ۲۱ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۲ اوت ۲۰۰۹

فیلم؛ قربانی تجاوز جنسی؛ زهرا بنی یعقوب را چگونه کشتید؟

دکتر زهرا بنی یعقوب در یکی از پارک های همدان توسط گشت منکرات بازداشت و به زندان منتقل شده و ۲۴ ساعت بعد به خانواده او اطلاع داده شد که وی خودکشی کرده است! این درحالی بود که تمام نشانه ها حکایت از تجاوز به وی در بازداشتگاه و هنگام بازجوئی داشت. یعنی درست همان سرنوشتی که زهرا کاظمی در تهران طی کرده بود. شیرین عبادی وکیل خانواده زهرا بنی یعقوب در همین مورد، در تازه ترین اظهار نظر خود گفت: من به اتفاق سه وکیل دیگر برای خواندن پرونده به دادسرای همدان رفتیم و از محل بازداشت زهرا دیدن کردیم. مسئولان به ما نشان دادند که زهرا چطور خود را حلق آویز کرده بود. آنچه ما دیدیم در واقع صحت ادعای خانواده زهرا مبنی بر اینکه خانم دکتر جوان خودکشی نکرده است را تأیید می کند.

پنجشنبه، ۲۲ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۳ اوت ۲۰۰۹

تلاش رژیم تهران برای در امان بودن از حمله نظامی

خبرگزاری «ریا نووستی» در ماه سپتامبر قرار است که اجلاس آتی آژانس بین المللی انرژی اتمی برگزار شود و ایران بدون اشاره به اسرائیل، پیشنهاد می کند که در این اجلاس سندی کلی امضا گردد که هرگونه حمله نظامی به هر تأسیسات هسته ای را ممنوع سازد.

به گزارش «ریا نووستی» از «صدای روسیه»، به گفته علی اصغر سلطانیه نماینده ایران در آژانس بین المللی انرژی اتمی، ایران از اسرائیل هراسی ندارد و صدور این سند یک اقدام اصولی است.

دو سال قبل نیروی هوایی اسرائیل به یک راکتور ناتمام در سوریه حمله کرد که بنا به گزارش اداره جاسوسی آمریکا، می توانست برای تولید پلوتونیوم نظامی مورد استفاده قرار گیرد. ایران تلاش دارد به این ترتیب خود را از چنین تهاجماتی ایمن دارد.

دو رقمی را برای ارزش پول ایران تا پایان سال پیش بینی میکنند، وانتظار دارند فرار سرمایه ها از سطوح بالای کنونی، به سبب نگرانی های راجع به مسیر و جهت اقتصاد، فراتر برود.

وال استریت ژورنال می نویسد دولت از سال ۲۰۰۱ تنزل ارزش پول را، به رغم تحریم های تحت رهبری آمریکا، که تجارت با جمهوری اسلامی و واردات به آن را محدود می کند، اغلب زیر سطح پنج درصد در سال نگه داشته بود. اما از سال ۲۰۰۵ که محمود احمدی نژاد عهده دار مقام ریاست جمهوری شد مشکلات اقتصادی بیشتر و شدیدتر شده است. طرح های پرخرج او، و دادن وام های سوبسیدی به خودی ها در دولت، تورم را تشدید و ذخایر پولی را کاهش داده است.

وال استریت ژورنال می نویسد همزمان با شروع دومین دوره ریاست جمهوری او، شواهد جاری نشان می دهد بانک مرکزی در تقلائی دفاع از ارزش پول به نرخ های رسمی برابری در ایامی است که تعداد بیشتری از ایرانیان انتقال دارائی هایشان را به محل هائی امن تر تدارک می بینند.

یکشنبه، ۱۸ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۹ اوت ۲۰۰۹

مجلس رژیم کانتینر ۱۸ میلیارد دلاری را پیگیری نمی کند

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: با توجه به تکذیب موضوع خروج ۱۸/۵ میلیارد دلار سرمایه از کشور، از طرف وزارت اطلاعات، مجلس هم دلیلی برای پیگیری این موضوع نمی بیند.

ارسلان فتحی پور در گفت و گو با «فردا» همانند سایر مسئولان رسمی کشور، خروج ۱۸/۵ میلیارد دلار از کشور را کذب محض دانست.

نماینده مردم کلپور در مجلس، افزود: بر اساس نظر وزارت اطلاعات این موضوع کذب محض است و قابل اعتنا نیست. فتحی پور در مورد پی گیری های احتمالی مجلس و کمیسیون اقتصادی مجلس در این خصوص هم تأکید کرد: از آنجا که وزارت اطلاعات موضوع را تکذیب کرده، مجلس دلیلی برای پی گیری نمی بیند.

ایران؛ سازمان ملل: صدها مورد شکنجه بازداشت‌شدگان گزارش شده

سایت موج آزادی: مانفرد نواک گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره شکنجه اعلام کرد که شکایت‌های زیادی از معترضان بازداشت شده پس از انتخابات ایران در مورد آزار و اذیت‌شان در زندان دریافت کرده است و دست کم ۳۰۰ پرونده در مورد شکنجه بازداشت‌شدگان ایرانی در اختیار دارد.

به گزارش «جرس» نواک که گزارشگر شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو است و پیشتر در مورد آزار و اذیت بازداشت‌شدگان در زندان امریکایی گوانتانامو تحقیق کرده روز پنج شنبه گفت که شکایت بازداشت‌شدگان پس از انتخابات ایران را از برخی از بازداشت‌شدگانی که آزاد شده‌اند، وکلا و خانواده‌های بازداشت‌شدگان دریافت کرده و به مقام جمهوری اسلامی نیز اطلاع داده که بیش از ۳۰۰ پرونده اتهامی در خصوص شکنجه و بدرفتاری با دستگیرشدگان اعتراضات اخیر، به سازمان ملل ارایه شده است.

به گفته مانفرد نواک اغلب شکایت‌ها از سوی بازداشت‌شدگان اخیر در ایران به ضرب و شتم، شوک الکتریکی و فشار جسمی و روانی با هدف گرفتن اعترافات از بازداشت‌شدگان مربوط است.

گزارشگر ویژه شکنجه شورای حقوق بشر سازمان ملل همچنین خبر داد که در نامه‌ای از مقام‌های ایرانی خواسته برای تحقیق در مورد این شکایت‌ها به ایران سفر کند اما حکومت به او اجازه نداده است تا از این کشور بازدید کند و پاسخ قانع‌کننده‌ای به این نامه نداده است.

وی همچنین تأکید کرد که غیر از فعالان سیاسی و معترضان به نتایج انتخابات شماری از روزنامه‌نگار، وکیل، فعالان حقوق بشر نیز بازداشت شده‌اند.

مانفرد نواک، گزارشگر شورای حقوق بشر سازمان ملل درباره شکنجه همچنین برگزاری دادگاه بازداشت‌شدگان اخیر از سوی دادگاه انقلاب تهران را براساس «اعترافات اجباری» دانست، آن را «دادگاه نمایشی» نامید و تأکید کرد که دستگاه قضایی هیچ کشوری نباید «به اعترافات اجباری ناشی از شکنجه» استناد کند.

خودسوزی دو دختر نوجوان در مریوان

فعالان حقوق بشر در ایران

خبرگزاری هرانا: دو دختر نوجوان در روستایی از توابع شهر مریوان اقدام به خودسوزی نمودند.

بنابر گزارشات دریافتی، دو دختر نوجوان به نامهای مه‌ری تاتارچه ۱۵ ساله، فرزند حسین و غزاله سبحانی ۱۷ ساله فرزند اهون، هر دو مجرد و ساکن روستای سورکول از توابع شهرستان مریوان پس از بروز اختلافات خانوادگی دست به خودسوزی زدند. به گفته منابع محلی، علیرغم اقدامات پزشکی، هر دو دختر نوجوان به دلیل شدت جراحات وارده جان خود را از دست دادند.

لازم به ذکر است در طی هفته‌های اخیر این منطقه از کشور به دلایل اکثراً مشترک شاهد خودسوزی زنان و دختران زیادی بوده اما علیرغم این مهم، این معضل تاکنون واکنشی از سوی مراجع ذیصلاح را در پی نداشته است.

شعار مرگ بر خامنه‌ای در تجمع مقابل زندان اوین

فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران

بنابر گزارشات رسیده از مقابل زندان اوین، خانواده‌های دستگیر شدگان قیام مردم ایران در زیر نور شدید آفتاب و گرمای زیاد به اعتراضات خود ادامه می‌دهند.

خانواده‌های دستگیر شدگان قیام در در گرمای زیاد که گفته می‌شود در حدود ۴۰ درجه است و نور شدید آفتاب قرار دارند. در یک اقدام غیر انسانی جهت فشار آوردن روی خانواده‌ها مأمورین دادستای مستقر در زندان اوین درب دسشوئیها ساختمان مراجعات که معمولاً مورد استفاده خانواده‌ها قرار می‌گرفت قفل کرده‌اند تا خانواده‌ها نتوانند از آن استفاده کنند خانواده‌های دستگیر شدگان هر از چند گاهی اقدام به شعار دادن می‌کنند و شعارهای آنها مرگ بر خامنه‌ای و مرگ احمدی نژاد می‌باشد. که با برخورد وحشیانه نیروهای سرکوبگر مواجه می‌شوند. خانواده اعلام کردند حاضر به ترک آنجا نخواهند شد تا زمانی که از وضعیت و شرایط عزیزانشان مطلع نشوند و آنها را آزاد نکنند. آنها همچنین از برخورد غیر انسانی مأمورین ولی فقیه سخت خشمگین هستند.

خبر داد که برخی از زندانیان در حضور نمایندگان و مقامات دادستانی از شکنجه‌های فجیع صورت گرفته در بازداشتگاه کهریزک پرده برداشته‌اند.

شرح ماجرا را از زبان این نماینده می‌خوانیم: در بند زنان، پرسیده شد: چه کسانی سؤال دارند؟ تعداد زیادی دستشان را بالا بردند. پرسیده شد: چه کسانی در کهریزک بودند؟ از یکی از آنان خواسته شد در مورد رفتاری که با وی صورت گرفته، توضیح دهد.

یکی از خانم‌ها گفت: در کهریزک، در حالی که مرا کاملاً عریان کرده بودند، از من خواستند وارد یک بشکه آب شوم، سپس بارها در آن بشکه به من شوک الکتریکی وارد کردند، به طوری که تمام چهار ستون تنم می‌لرزید! به گفته این نماینده، این زن شجاع زندانی سپس از نمایندگان پرسیده است: آیا شما واقعاً خود را نمایندگان مجلس شورای «اسلامی» می‌دانید؟

یکشنبه، ۲۵ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۶ اوت ۲۰۰۹

تکمیل ۷ هزار واحد مسکونی ونزوئالی توسط رژیم

سفیر ونزوئلا در ایران گفت: یک شرکت ایرانی موفق شده تاکنون هفت هزار واحد مسکونی از ۱۰ هزار واحد مسکونی مورد قرارداد با ونزوئلا را تکمیل کند.

داوید ولاسکز افزود: یک شرکت ایرانی به نام «کیسون» طبق قراردادی که با وزارت مسکن ونزوئلا منعقد کرده قرار است ۱۰ هزار واحد مسکونی در ونزوئلا احداث و تحویل دهد که تاکنون هفت هزار واحد مسکونی تکمیل شده است. وی با بیان اینکه این شرکت ایرانی موفق شده ۷۰ تا ۸۰ درصد کار را تحویل دهد، خاطرنشان کرد: سه هزار واحد مسکونی باقیمانده نیز احتمالاً تا سال آینده تکمیل می‌شود.

یکشنبه، ۲۵ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۶ اوت ۲۰۰۹

هلیکوپتر سقوط کرده متعلق به سپاه پاسداران است

یک فروند هلی کوپتر متعلق به سپاه پاسداران جمهوری اسلامی صبح امروز در شهرک اندیشه شهرستان شهریار سقوط کرد.

فرماندار شهرستان شهریار اظهار داشت: پس از سقوط این هلی کوپتر اطلاعات اولیه به ما ارائه شد ولی هنوز اطلاعات دقیقی از این حادثه در اختیار ما قرار داده نشده است.

تعداد خانواده هایی که اکنون در اعتراضات مقابل زندان اوین حضور دارند بیش از ۱۸۰ نفر تخمین زده می شود. فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، یورش به خانواده ها، هل دادن و انداختن آنها روی زمین، عدم اطلاع از عزیزانشان، قرار دادن آنها در گرمای زیاد و زیر تابش آفتاب و محروم کردن آنها از استفاده از دستشویی در منطقه ای که فاقد هرگونه امکانات این چنینی است را محکوم می کند. از کمیسر عالی حقوق بشر و سایر سازمانهای حقوق بشری خواستار اقدامات فوری برای آزادی فوری و بی قید و شرط زندانیان سیاسی در ایران است.

۲۴ مرداد ۱۳۸۸ برابر با ۱۵ اوت ۲۰۰۹

گزارش فوق به سازمانهای زیر ارسال گردید:

دفتر دبیرکل سازمان ملل

کمیساریای عالی حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا

سازمان عفو بین الملل

سازمان دیدبان حقوق بشر

شنبه، ۲۴ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۵ اوت ۲۰۰۹

فیلم؛ گزارش تجاوز در شکنجه گاه کهریزک؛ بابک داد

بابک داد (روزنامه نگار در ایران) در مصاحبه با صدای آمریکا از فجایع هولناک در زندان کهریزک می گوید. او می گوید اسم رمز این تجاوزها فتح المبین بوده است. از داستان پسر ۱۸ ساله ای می گوید که مورد تجاوز قرار گرفته که در اثر آن مقعد و روده اش پاره شده است. از تجاوز به پسرها توسط مردان عرب زبان می گوید.

شنبه، ۲۴ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۵ اوت ۲۰۰۹

کهریزک؛ شوک الکتریکی به بدن خیس و عریان زنان

سایت موج آزادی: یک نماینده مجلس از شکنجه زنان زندانی در کهریزک خبر داد. این در حالی است که پیش از این هیچ گزارشی درباره بازداشت زنان در این بازداشتگاه غیرقانونی منتشر نشده بود.

این نماینده مجلس که نخواست نامش فاش شود، با اشاره به بازدید گروهی از نمایندگان مجلس از زندان اوین و بند زنان،

صاحب حق و تو همچون روسیه و چین تحریم‌های جدید را وضع کند.

به نظر دیپلمات‌های آلمانی در صورت لزوم، آمریکا و اتحادیه اروپا می‌توانند تحریم‌های سخت‌تری را علیه ایران اعمال کنند.

دوشنبه، ۲۶ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۷ اوت ۲۰۰۹

کیهان حکومتی: تشکیلات راه سبز امید آمریکایی است

سایت فردا در تهران: مدیرمسئول روزنامه کیهان معتقد است تشکیلات تازه اعلام شده توسط موسوی تحت عنوان « راه سبز امید » برگرفته از طرح‌های براندازانه آمریکایی است. شریعتمداری با تعبیر تشکیلات سبز یا فرش قرمز پیش پای آمریکا؟! می‌افزاید: روز جمعه ۸۸/۵/۲۳، میرحسین موسوی - دقیقاً همانگونه که کیهان از قبل پیش‌بینی کرده بود - مرحله دیگری از پروژه پلکانی سازمان « سیا » برای مقابله با جمهوری اسلامی را کلید زد و در جمع یکی از گروه‌های جبهه اصلاحات، از تصمیم خود برای راه‌اندازی یک جریان سیاسی موسوم به «تشکیلات راه سبز امید» خبر داد.

مدیر مسئول کیهان در ادامه با فراخواندن خوانندگان خود به عدم متهم کردن کیهان به تندروی می‌نویسد: همخوانی حرکت مشترک موسوی و خاتمی و برخی دیگر از خواص آلوده با دشمنان بیرونی قابل انکار نیست.

محمدعلی عرفان منش افزود: گروه‌ها و تیم‌های امدادی به محل حادثه اعزام شدند که علاوه بر تأیید و صحت حادثه، تمامی جزئیات را گزارش دهند و کار امداد رسانی را انجام خواهند داد.

شهریار در ۴۵ کیلومتری غرب استان تهران واقع شده است.

یکشنبه، ۲۵ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۶ اوت ۲۰۰۹

سه کشته در سقوط هلیکوپتر نظامی در شهریار

خبرگزاری فرانسه در گزارشی از تهران به نقل از تلویزیون دولتی گزارش داد در اثر سقوط یک هلیکوپتر نظامی در شهرستان شهریار، سه نفر کشته شدند.

پیشتر منابع حکومتی خبر داده بودند که یک فروند هلیکوپتر متعلق به سپاه پاسداران صبح یکشنبه در شهرک اندیشه شهرستان شهریار سقوط کرده است. این دومین حادثه سقوط هلیکوپتر طی یک هفته گذشته در ایران است.

یکشنبه، ۲۵ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۶ اوت ۲۰۰۹

اشپیگل: شمارش معکوس برای توقف صادرات بنزین به ایران

ایسنا: هفته‌نامه اشپیگل در گزارشی اعلام کرد که آمادگی دولت آلمان و دیگر اعضای اتحادیه اروپا برای اعمال تحریم‌های بیشتر و سخت‌تر علیه ایران به دلیل برنامه اتمی‌اش افزایش یافته است.

در گزارش اشپیگل آمده است که رایزنی‌هایی در مورد توقف صادرات بنزین به ایران صورت گرفته است. همچنین ایجاد محدودیت‌هایی در استفاده از راه‌های آبی و هوایی نیز مد نظر هستند.

به گزارش اشپیگل یکی از ابزارهای ایجاد چنین محدودیت‌هایی عدم اجازه ورود کشتی‌های ایرانی به بندرهای اتحادیه اروپا و فرود هواپیماهای ایرانی در فرودگاه‌های کشورهای عضو این اتحادیه است.

بنا به گزارش اشپیگل، دولت آلمان می‌خواهد نخست تلاش کند در چارچوب شورای امنیت و با مشارکت قدرت‌های

فرزندان ایران زمین در تکثیر و پخش این نشریه ما را باری خواهند کرد.

Organisation PARS

B.P 6593

75065 Paris Cedex 2 – France

www.sazmanepars.com

Email : sazmanepars@aliceadsl.fr

iran-info@aliceadsl.fr